آدرس مقاله در پایگاه مجلات تخصصی نور: مجله نور علم » خرداد و تیر 1371 - شماره 45
URL : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2716

عنوان مقاله: حیات شیخ مفید 6 (آثار شیخ مفید)

نویسنده : شبیری زنجانی،سید محمد جواد

شیخ مفید با بر جا گذاشتن آثار فراوان‌و ارزشمنددر رشته‌های گوناگون معارف‌اسلامی، صفحات گرانبهایی از تاریخ دانش را به نام خویش آراست.از آثار بی‌شماروی تنها عده معدودی از آنها در گذر زمان سالم مانده و به‌دست ما رسیده‌است.بحث و بررسی‌و تحلیل کامل آثار مفید نیاز به انتشار تمامی آثار باقیمانده‌وی داشته و در گرو فرصتی دیگر است.ما در این بخش تنها به جنبه‌هایی از آثار مفید نگاهی گذرا افکنده،از فهرست آثاروی سخن گفته،سپس دربارهٔ پاره‌ای از آثار مهم به تفصیل به بحث می‌نشینیم:

***أ- فهرست آثار:**

نام تألیفات شیخ مفید در مصادر بسیاری از منابع متقدّم و متأخّر آمده است. قدیمترین و معتبرترین این مصادر فهرست‌شیخ‌طوسی و رجال نجاشی است که‌به دست دو تن از رجالیان نامور از شاگردان مبرّز مفید فراهم آمده و بالطبع از اعتبار و اهمیت بسیاری برخوردار است. [1]
شیخ طوسی در فهرست می‌نویسدکه‌مفیدنزدیک به دویست تصنیف بزرگ و کوچک دارد و فهرست کتبش معروف است. وی خود نام جمله‌ای از این کتابها را ذکر کرده،تصریح می‌کند که تمامی آنها را در نزدش درس‌آموخته‌است،ولی فهرست نسبتا کاملی از آثار مفید را در رجال‌نجاشی می‌بینیم.

رجال نجاشی و فهرست آثار مفید

ابو العباس نجاشی 147 کتاب از آثار شیخ مفید را نام برده و بدین‌ترتیب‌مهمترین‌منبع‌برای شناخت این آثار به‌شمارمی‌رود، این‌فهرست احتمالا مأخوذ از همان‌فهرست کتب مفید است که شیخ طوسی آن را به معروفیت وصف کرده است،این‌فهرست از اشتباهات ناچیزی‌مانندتکرارمناسک الحجّ خالی نیست کتاب«النقض علی الجاحظ فضیلةالمعتزلة»که‌در اواخر لیست نجاشی ذکر شده نیز می‌بایست همان کتاب«نقض

1. فهرست شیخ طوسی،مکتبه مرتضویه،نجف،1356،رقم 696؛رجال نجاشی،انتشارات اسلامی،قم1407، رقم1067.

فضیلة المعتزلة»ذکر شده در اوائل ترجمه مفید باشد، در نام«رسالة الجنیدی‌الی‌اهل‌مصر»نیز ظاهرا کلمهء«نقض»افتاده[2] و احتمالا این رساله با«النقض علی ابن الجنید فی‌اجتهاد الرأی»متّحد است.البته در نگاه‌نخستین ممکن است کتاب«جمل»را همان«النصرة لسیّد العترة»دانست که شیخ‌طوسی از آن با نام«النصرة لسیّدالعترةفی‌احکام البغاة علیه بالبصرة»یاد کرده‌ولی باتوجه‌به‌اینکه شیخ طوسی به جز این کتاب از کتاب دیگری با نام«احکام‌اهل‌الجمل» نام‌می‌بردکتاب«الجمل»ظاهرا غیر از کتاب«النصرة لسیّد العترة» باشد و با کتاب اخیر متّحد است،شیخ طوسی تصریح‌می‌کندکه‌این کتابها را در نزد شیخ مفید درس خوانده و این امر احتمال اشتباهش رابسیارضعیف می‌گرداند.

مقایسه آثار مفید در رجال نجاشی و فهرست شیخ

-1* در فهرست کتب مفیددررجال‌نجاشی با همه گستردگیش،نام برخی از کتابهای مفید که در فهرست شیخ طوسی ذکر شده،دیده‌نمی‌شود.این‌کتابها عبارتند از: رسالة فی الفقه الی ولده(که ناتمام مانده)،کتاب المنیر فی الإمامة، المسائل الجرجانیة،المسائل المازندرانیة.

-2* در نامهای‌ذکرشده در فهرست طوسی کتاب«احکام متعه»وجود دارد که ممکن است یکی از چند کتابی باشد که‌نجاشی‌در موضوع متعه به مفید نسبت‌می‌دهد مانند:کتاب الموجز فی المتعه،کتاب مختصر المتعة.

-3* کتاب«الأرکان فی‌الفقه»نیزاحتمالا غیر از کتابی است که نجاشی‌با عنوان «الأرکان فی دعائم الدین» به مفید نسبت می‌دهد؛زیرا ازپاره‌ای‌گزارشها برمی‌آید که کتاب «الأرکان فی دعائم الدین»کتابی است کلامی نه فقهی.مفید در کتاب تصحیح‌الاعتقاددر بحث از حرمت جدال در توحید خداوند و نفی تشبیه‌وارد شده که جمله‌ای از آنهارادر کتاب الأرکان فی دعائم الدین آورده است.[3]

- 4*در میان آثاری که طوسی‌به‌مفید نسبت می‌دهد نام«المسائل المنثوره» دیده می‌شود که‌درتوضیح‌آن گفته شده که حدود یکصد مسئله‌است.احتمال‌می‌رودکه این نام کتاب خاصی

---

2. اندیشههای کلامی شیخ مفید،مارتین مکدرموت،مؤسسه مطالعات اسلامی وابسته به دانشگاه مک گیل،با همکاری دانشگاه تهران،1363،ص 47.

3. تصحیح الإعتقاد،شیخ‌مفید،بهاهتمام واعظ چرندابی،تبریز،1371،(همراه اوائل المقالات)ص 28.

نباشد بلکه نام مجموعه‌ای از کتابهای مفید است‌که‌باعنوان مسئله یا مسائل نگاشته‌شده‌است ولی‌تعدادآثاری‌که با این عنوان‌در رجال نجاشی‌آمده‌به چهل کتاب نمی‌رسد و می‌بایست نام بسیاری از آثار شیخ‌مفید در رجال نجاشی نیامده‌باشدمگر اینکه کتابهایی را که‌درآن چند مسئله ذکر شده چند بار به حساب آوریم که شاید در این‌صورت‌تعداد مسائل از صد مسئله‌هم‌تجاوزکند.

کتابهای مفید در معالم‌العلماء

1- پس از این دو،کتاب معالم‌العلماءابن شهر آشوب قدیمی‌ترین مصدر موجود در شناخت آثار مفید می‌باشد.[4] وی پس از ذکر کتابهای‌مفیداز فهرست شیخ با کمی‌تفاوت،نامهای تازه‌ای‌رابدانها می‌افزاید که‌برخی از آنها نام دیگری‌است از تألیفات ذکر شده در فهرست شیخ یا رجال نجاشی،مثلا:«الشیخ الضالّ فیه جوابات عشر مسائل»و«کتاب فضائح‌ابی‌حنیفه»این اوصاف،اوصاف یک کتاب‌از کتابهای مفید با نام «المسائل‌الصاغانیه» است‌که به چاپ هم‌رسیده‌است،[5] شیخ مفید در این کتاب به ده اعتراض شیخی از حنفیان پاسخ داده سپس خود بر ابوحنیفه‌می‌تازد.

2-در نام کتاب «الرّد علی ثعلب فی آیات القرآن» نیز ممکن است‌کلمه «ثعلب» تصحیف «قطرب» باشد و این کتاب همان کتاب «البیان عن غلط قطرب فی القرآن» باشد که نجاشی ذکر کرده است.

3- دو کتاب«ردّ العدد»و«الردّ علی ابن بابویه» هم احتمالا یکی است که‌گاه با نام «الردّ علی الصدوق فی قوله انّ شهر رمضان لا ینقص» خوانده می‌شود[6]، در توضیح این احتمال باید دانست که یکی از مسائل بسیار بحث انگیز و اختلافی‌بویژه در قرن چهارم و پنجم هجری این مسئله بوده که‌آیامناط ثبوت ماه رمضان دیدن هلال است و ماه رمضان مانند سایر ماهها گاه ناقص و گاه کامل می‌باشد و یا اینکه ماه رمضان همواره کامل و سی

روز، می‌باشد در مقابل‌ماه‌شعبان که همیشه‌ناقص و بیست و نه روز است.گروه نخست

4. معالم العلماء،ابن شهر آشوب،الف-مطبعه فردین،تهران،1353 ق،ص 100،ب-مطبعه حیدریه نجف،1380،ص 112.

5. المسائل الصاغانیة(چاپشده‌در ضمن مجموعه رسائلی از مفید،دار الکتاب،قم،از چاپ مطبعه حیدریه، نجف)

6. اندیشههای کلامی شیخ مفید،ص 44؛ذریعه،آقا بزرگ تهرانی،دار اللاضواء،بیروت،1403،ج 10، ص 204.

«اصحابالرؤیة» خوانده مـی‌شده و گـروه دومـ«اصحاب العـدد»شـیخ مــفید در اوائـل امــر مانند شیخ صدوق در فقیه[7] از اصحاب العدد بوده ولی سرانجام نظر اصحاب الرؤیه را درسـت دانسـته است.وی‌به سود هر دو دسته کتاب نوشته که مرحوم سید بن طاوس از آنها یاد کرده است.[8]

به هـر حال معالم العلماء ابن شـهر آشـوب قطعـا ازنظراعتبـار بـه پایـه فهرست‌نجاشـی و شـیخ طوسی می‌نرسد بویژه در مورد شیخ مفید که استاد نجاشی و طوسی‌است.پاره‌ای از اشـتباهات روشن ابن شهر آشوب در این کـتاب و در هـمین‌ترجمه،[9] مارا درپذیرفتن کتابهای جدیـدی کـه وی معـرفی نمـوده و نسـخه‌ای از آنهـا در دست‌نیسـت بـه تردیـد می‌انـدازد،بـویژه درباره‌ءکتابهـایی چـــون«اختیـــار الشـــعراء»کـــه در موضـــوعات کـــاملا بیگانـــه بـــا ســـایر آثـــار مفیـــد می‌باشدمی‌بایست‌طریق‌احتیاط را پیمود.

تألیفات مـفید در مـصادر متأخّر

برخی از مصادر متأخّر به تکمیل فهارس به دست آمده از سه اثرگذشته‌پرداخته‌اند.مرحوم علاّمه شـیخ فضـل اللّـه شـیخ الاسـلام زنجـانی در مقـدمهء نفیس خـود بـر اوائل‌المقـالات‌پس‌از ارائـه مـوضوعات گـوناگونی که مفید بدانها پرداخته نـام‌چهارده کـتاب را ذکر کرده که درمصادر متقـدّم نیامده است[10] که البته در میان آنها نام«اختصار کتـاب الاختصـاص»نـیز دیـده می‌شـود که‌از مفیـد نیست[11] و نیزکتاب«الافصاح»را از آن رو که در نسخهء چاپ سنگی نجاشی نیامده‌بـوددر ایـن جـا ذکر نموده‌اند.[12]

در ایـن میان نام کتابی به صورت«مسألة مفرده فی معنی الإسلام الخ»ذکر نموده و گفته‌انـد کـه در اول کتاب اوائل المقالات بدان اشاره شـده است،ولی با مراجعه به‌اوائل‌المقالات بدرستی بـر

---

7. کتابمن لا یحضره الفقیه،شیخ صدوق،دار الکـتب الاسـلامیه،نجف،1377،ج 2،ص 110،وی در اینصـفحه اخبـار مخـالف عــدد را بـر تقیه حمل میکند،ولی خود بیشتر روایات رؤیت را ذکر نموده است(ص 76) که با هم سازگارنیست.

8. اقبال،سید بن طاوس،اول اعمال شهر رمضان،ص 5.

9. از جمله در مورد نام استاد مفید که ابو جعفر بن قولویه ضـبط شـده و صحیح آن ابـو القاسـم جعفـر بن قولویهـو نـیز توصیف مفیدبهقمی بنا بر چاپ تهران.

10. مقدمه اوائل المقالات،به اهتمام چرندابی،تبریز،1371،ص«مد»-«مح».

11. بنگرید به مقاله شیخ مفید و کتاب اختصاص،نور علم،شماره 40 و 42.

12. ولی در چاپ مصحح رجال نجاشی نام این کتاب وجود دارد.

نمی‌آید که موضوع این رسـاله چـیست،به‌احتمال قـویتر موضوع این رساله تعریف شیعه و بیان معنـای تشـیع اسـت،[13] ولی به‌هـر حـال این رسـاله ظـاهرا در مصـادر پیشـین مـذکورنیست.

فهرسـت نــسبتاکاملی از آثـار شـیخ مفیـد درمقدمه‌تهـذیب‌الأحکام و فهرسـت کـاملتری از آن در مقدمه‌اندیشه‌های کلامی شیخ مفید ارائه شـده‌است،فهرست نــخست مــشتمل بـر 194 عنـوان بوده و فهرست دوم بیش‌ازعنوان‌را در بر می‌گیرد.

ما در اینجا از ذکرتفصیلی‌آثار مفید خودداری نموده تنها بـا ذکر نکاتی چند به تصحیح فهرست ذکر شده در مقدمه اندیشه‌های کلامی شـیخ‌مفید می‌پـردازیم،علاقه‌منـدان می‌تواننـد خــودبه‌آثاربالا و مـشابه آن مـراجعه و تمام‌آثار مفید را درآنها ببینند.[14]

آثار مـفیددر مقدمه اندیشه‌های کلامی شیخ مفید

1-هسـته‌ء اولیه‌ء این فهرسـت از رجـال نجاشـی گرفتـه شده‌اسـت‌و سـپس عنـاوین‌دیگری از فهرست شیخ طوسی و معالم العلماء و پاره‌ای مخطوطات‌که‌مؤلف‌در کتابخانه‌های نجف و تهران و قم دیده بر آن اضـافه شـده است با توجه‌به‌مغلوط بودن چاپی از رجال نجاشی که در آن زمان در اختیار بوده و مورداستفاده‌مؤلف‌قرار گرفتـه پـاره‌ای اشـکالات در این فهرسـت نمـودار شـده است،مثلا عنوان افصاح‌از چاپ فوق افتاده‌درنـتیجه ایـن عنـوان بـه اتکـاء مصـادر دیگـر در عـداد مصــادری که‌نجاشــی ذکرنکرده‌آمده‌اســت،مؤلــف خــود بــه درســتی در مــورد عنــوان «17-بغض‌المروانیــة» احتمــال داده کــه تحریــف«نقض المروانیــة»می‌باشــد.کلمــات الــبرقعی(رقم 48)الفریقین(رقم 50)النصر بن‌بشـیر(رقم)والشـعبی(رقم 66)النسـفی(رقم 69) الکشـف (رقم 97) در چـاپ مـصحح رجـال نجاشی به ترتیب به صورت:

الترقضی،الفارقیین،النضر بـن‌بـشیر،الشعیبی،العتیقی،النکت درج شـده است.

2-پـاره‌ای از کتابهـای ذکـر شـده در این فهرسـت نـیز قطعـا از مفیـد نیسـت‌که‌عبارتنداز کتـاب

13. شیخ مفید در تعریف تشیع و اعتزالو بیانفرق آن دو اشارهای به تعریف اسلام نیز کرده است و سپسمیگوید:«وقد افردنـا لـه مسئلة استقصینا فیها الکـلام»ظاهر سیاق عبارت میرساند کـه مرجـع ضـمیر«لـه»اصـلمطلب یعـنی بحث تعریفتشیعباشـدنه بحث ضمنی تعریف اسلام.اوائل المقالات،ص 3-4.

14. فهرســت بــرخی از این آثــار راکهــدرآن کتب مفیــد یــا بــرخی از آنهــا فهرســت شــده در نــور علم،شــماره 34، ص 113،حـاشیهبنگرید.

اختصاص و رساله عیسی بن راب بروایة المفید(که جزئی از اختصاص‌است.)[15]

-3المبین فی الامامة نیز با المنیر فی الامامةیکی‌است‌که اولی در معالم‌العلماء و دومی درفهرست‌طوسی آمده است،با بررسی این دو کتاب و مشاهده‌ترتیب ذکر کتابهای مفید درآنهااین موضوع بروشنی معلوم می‌گردد.

-4برخی ازتوضیحاتی که‌دراطراف‌کتابها داده شده،نادرست است مثلا در رقم-«کتاب‌مسألة فی اقصی الصحابة»شاید به جای«اقصی»بتوان«اقضی»خواند؛زیرا ظاهرا درباره حجّیت راوی برای روایت‌خبربحث می‌کند.

ولی ظاهرا این کتاب دربارهٔآگاه‌ترین صحابه به قوانین‌قضاءو آیین داوری‌می‌باشد و در اثبات اینکه امیر المؤمنین علی(ع) به این وصف متّصف است‌نه‌دیگران.[16]

-5 در رقم 63 الرّد علی الجاحظ‌العثمانیةو 164- النقض علی الجاحظ فضیلةالمعتزلة،کلمهٔالعثمانیة و فضیلة المعتزلةمفعول‌دو مصدر«الرّد»و«النقض» بوده بنابراین منصوب است،در نام این کتابها نیازی به افزودن کلمهٔ«فی»نیست‌و ذکر کلمه«کذا»که‌نشانهٔاشکال در نام کتاب می‌باشد وجهی‌ندارد.

-6 در مورد کتاب‌اصول‌الفقه‌نیز باید دانست که‌کراجکی تنها گزیده‌ای از این کتاب را در کنز الفوائد آورده نه تمام آن را.

در خاتمه‌اشاره‌به این مطلب مناسب است که‌درفهرست‌مذکوردرمقدمه‌تهذیب نام 194 تألیف‌دیده می‌شود.برجسته‌ترین عنوان فهرست مذکور که در اندیشه‌های کلامی شیخ مفید دیده نمی‌شود کتاب رجال است که‌نمی‌بایست‌به‌عنوان‌تألیف مستقلی تلقی گردد.

در مقدمهٔ مرحوم شیخ‌الاسلام‌زنجانی‌براوائل‌المقالات‌به نامهای جدیدی‌از آثار مفید بر می‌خوریم که باید به فهرست در مقدمهٔ اندیشه‌های کلامی‌شیخ مفید افزوده گردد که عبارتند از:المسائل الّتی سألها عنه محمد بن محمد الرملی‌الحائری،مسألة مفرده فی معنی الإسلام(یا التشیع چنانچه گذشت)،کتاب‌فیمسألة الصلوة التی نسبت الی ابی بکر فی مرض

15. اختصاص،تحقیق علی اکبرغفاری،مکتبةالصدوق،تهران،1379،ص 144-160.

16. در برخی از روایات،گفتار پیامبر در شأن امیر مؤمنان آمده که«اقضاکم علی»این روایت موضوع کلامدر اینکتاب میباشد،در امالی شیخ طوسی،ج 1،ص 256 از عمر نقل شده که:«علی اقضانا.

النبی(ص)،مولد النبی و الاوصیاء.[17]

شیخ جعفر بن محمد دوریستی نیز از مـفید مـطلبی نـقل می‌کند که‌ممکن‌است‌کسی از آن چـنین است:إنّی قد بقیت فی هذا العلم مدة و لی فیه کتب‌جمّة.[18]

ولی با توجه‌به‌ماجرایی که مـفید نـقل می‌کندتنهاهمین مقدار می‌توان فهمید که مفید کتابهـایی را در علم تعبیر خواب در اخـتیار داشـته است.[19]

حال نگاهی گذرا به شیوهء تألیفات مفید و مـوضوعات آنـمی‌اندازیم:

شیوهء تـألیفات مفید و موضوعات‌آنها

آثار شیخ مفید را می‌توان در سه دسـته قـرار داد:

نخست:تألیفهای مستقلی که در موضوعات مختلف نگاشته شده و بسیاری‌از آنها با عنوان مسألة یا مـسائل مـی‌باشد حدود 120 عنوان از آثارمفیداینگونه‌اند.

دسته دومـ:آثاری کـه در جواب سـؤالات گـوناگونی کـه از گوشه و کنار مملکت‌پهنـاور اسـلامی از ناحیـه افـراد و یـا اهـالی شـهرهایی چـون گرگـان،رقّـه،حـرّان، خوارزم،مازندران،شیراز،صاغان،طبرستان،موصل،نیشابور،و از شرق تـا غرب‌کشـور اسـلامی بـه حضورش‌می‌رسید،نگاشته‌شـده کـه‌حدود 45 عنوان را شامل‌می‌شود.

دسـته سـوم:تألیفـاتی کـه در نقض و ردّ آثـار دیگـران نگاشـته شـده کـه حـدودعنوان را در بـر می‌گیرد.

با یک بررسی اجـمالی در آثـار موجودشیخ‌مفیدو عناوین آثار مفقود بدین‌نتیجه می‌رسیم که محور اساسی فعالیتهای مـفید را دو زمـینه کلام و فقه تشکیل‌می‌دهدو کتابهایی کـه بـه نـحوی از انحـاء به یـکی از ایـن دو زمینه‌بازنگردد،اندک‌است.مادر مـیان آثـار بر جای مانده مفید بـه کـتاب حـدیث بر نمی‌خوریم جز کتاب‌مزار و کتاب امالی،که ایـن کـتاب دوم هم،املاءهای مفید و تـألیف دیگـری است. کتاب نـخست نـیزاز گرایش فـقهی و کـتاب‌امـالی از گرایش کلامی بر کـنار نیست.

ارشاد مفید که از مهمترین منابع در شناخت تاریخ زندگانی ائمّه می‌باشـد، در واقـع کـتابی اسـت

17. مقدمه اوائل المقالات،ص«مد»-«مح»

18. الثاقب فی المناقب،ابن حمزه طوسی،دار الزهراء،بیروت،1411،ص 236-239.

19. ر ک:کنز الفوابد،کراجکی،دار الإضواء،بیروت،1405،ج 2،ص 50.

کلامی،نگاشته شده با انگیزه‌های کلامی و برای اثبات امامت‌امامان،بسیاری ازکتابهای فقهی مفید نیز رنگ کلامی دارد؛چون رساله‌های فقهی‌وی درباره متعه و یا

وجوب مسح بر پا(نه بر جوراب و کفش)که در دفاع از این‌آراء فقهی‌خاصّ‌امامیه در مقابل دیگر مذاهب نگاشته شده است.

با این دید اکثر کتابهای مفید کتاب کلامی بوده و پس از آن کتابهای فقهی‌بالاترین نقش را دارا می‌باشند و آثاری چون مسارّالشیعه‌در تاریخ ولادت امامان‌یا مزار و موضوعات دیگر اندک است.

ب- امالی مفید*

ابو جعفر عن ابیه(ع): انّ الملک الموکّل بالعبد یکتب فی صحیفته اعماله فاملوا فی اوّلها و آخرها خیرا یغفر لکم مابین‌ذلک.

فرشته گماشته بر بنده،در صحیفه‌اش اعمال وی را می‌نویسد،پس در آغاز و پایان این‌صحیفهٔ خیر«املاء»کنید که ما بین آنها آمرزیده می‌گردد.

مهمترین اثر حدیثی بر جای مانده از شیخ مفیدمجموعه‌روایاتی‌است که‌به نام امالی شهرت‌دارد.شیوهٔروایت‌کتاب به گونهٔ املاء بوده است که در آن‌محدّث روایاتی چند را آرام آرام می‌خوانده و راویان،آن را یادداشت می‌کردند. املاء یکی‌ازطرق‌قدیمی انتقال حدیث و علم به شمار می‌رودو در میان دانشمندان‌تمامی فرقه‌های اسلامی به کار گرفته شده است.کسی که سمت املاء کننده را بر عهده می‌گرفته معمولا ازشیوخ‌و بزرگان بوده است.

در میان دانشمندان امامی،از جمله‌ای از آنها،امالی‌هایی دردست مانده‌چون امالی صدوق و امالی شیخ طوسی،این دو کتاب از جهاتی مانند موضوع، بی‌شباهت به امالی مفید نبوده‌و قابل‌مقایسه با آن می‌باشد.

امالی مفید از استوارترین کتب حدیثی شیعه بوده‌که‌با روشی هوشمندانه‌تنظیم شده است،ذوق و لطافت در این کتاب موج می‌زند،روایت آغازین کتاب‌که در صدرتیترآورده‌شد دلیلی روشن بر سلیقه مفید است،استفاده از الفاظ «کتابت»،«صحیفه»،«املاء»و«اول»در این مقام بسیارجالب‌است.

مـــــا در این قســــمت این مقـــــال بــــر آنیم کــــه بــــه تفصـــــیل بــــه شناســـــایی این کتاب‌بپردازیم،بحثهای‌آینده‌درضـمن عـناوین زیر دنبال می‌شود:

-1نام کتاب؛

-2 مکان و زمان مجالس؛

-3موضوع مجالس؛

-4 مشایخ معروف مفید در روایات‌این‌کتاب؛

-5مجلس بیست و سوم؛

-6راویان؛

-7 امالی مفید و امالی صدوق؛

-8امالی مفید و امالی شیخ.

نام کتاب

این کتاب‌به‌نام امالی شهرت دارد،نجاشی در ضمن شمارش کتابهای مفید از الامـالی المتفرقـات نام می‌برد[20] کـه ممکن‌اسـت‌تنها نــاظر بــه این کــتاب باشـد و نـیز ممکن اسـت نـاظر بـه کتـابی خاص‌نبوده‌بلکه‌به املاءهای پراکنـده وی نظـر داشـته‌که در موضـوعات مختلـف صــورت پذیرفتـه است،مفید خود در اواخرتصحیح‌الاعتقادبه این گونه املاءها (بـا عبـارت:فی مــواضع مــن کــتبنا و امالینا)[21] اشاره دارد، به هرحال‌اگرکلام نجاشی ناظر به کتاب مـورد بحث باشـد در مـورد وصـف المتفرقات‌بایــد گـــفت کـــه این‌وصـــف‌یابه جهت پراکنـــدگی زمـــان املاء و یـــا مختلـــف بـــودن موضـــوع‌روایات و یـاپخـش‌شــــدن روایت مشـــایخ در کتـــاب می‌باشـــد؛زیــرا بــر خلاف امــالی شیخ‌طوسی،روایت مشایخ هر یک در یک جاگردنـیامده است.

مکان و زمان مجلس

-1احـــادیث این کتـــاب در فاصـــلهء اول رمضـــان 404تابیســـت و هفتم رمضـــان ســـال 411در طی‌مجلس‌امـلاء گردیده است،گویا در سال نــخست مــجالس‌همگی‌درمنزل ضـمرة ابـو الحسـن علی بن محمد بن عبد الرحمان فارسی-که از حالات‌وی چـیزی‌نمی‌دانیم-در زیّارین‌دردرب‌ریـاح در

20. رجالنجاشی،رقم1607،اواخر ص400.

21. تصحیح الإعتقاد،ص 70.

بغداد انجام گرفته و درسالهای‌دیگر این جلسات به مسجد شیخ مفید در درب ریاح منتقل گردیده‌و در نتیجه‌عمومی‌تر شده است.[22]

-2در سالهای 405 و 406 به علت‌نامعلومی،هیچ‌مجلسی برگزار نشده‌است.

-3 مجالس بیشتر درماه‌رمضان و گاه در ماه شعبان و رجب نیز بر پا می‌گشته‌است،گویا این‌مجالس‌شبیه منبرهای فصلی کنونی درماه‌رمضان‌یا دهه محرم‌و صفربوده که با توجه‌به‌رغبت مردم به سوی خدا در این ماهها و توجه آنها به‌مساجد،دائر می‌گردیده است.

-4مجالس،تقریبا به‌طور مرتّب‌در روز شنبه برگزار می‌شد،ولی‌گاه‌در روز چهارشنبه‌و دوشنبه‌نیز این‌مجالس صورت می‌گرفته‌است.

-5در سال 407 بیش از سایر سالها این جلسات دائر گردیده،12 جلسه از جلسات امالی به مجالس‌این‌سال‌اختصاص دارد،ولی در سال 408 دو مجلس‌برگزارشده‌و ازاین ر محتمل است‌که‌تاریخ تبعید وی این‌سال بوده نه سال 409 چنانچه این‌اثیر نوشته است.[23]

-6 آیا پش از سال 411 دیگرمجلسی‌برگزار نشده؟بدرستی معلوم نیست و احتمال می‌رود که‌این‌مجالس‌درسالهای‌بعدتاوفات مفید در سال 413 هم ادامه‌داشته،ولی راویان مجموعه کنونی در آنها حاضر نبوده‌اند در این باره پس ازاین‌صحبت خواهیم کرد.

-7 تاریخ مجلس چهل و یکم مقدم بر تاریخ مجلس چهلم می‌باشد که ظاهرا در اثر پس و پیش شدن اوراق،این اشتباه رخ داده است.

موضوع مجالس

-1 روایات امالی در نگاه نخستین‌درباره‌ٔموضوع یا موضوعات خاصّی نیست، ولی با کمی دقّت می‌توان بیشتر آنها را در دو محور امامت و اخلاق دانست، موقعیت زمانی و مکانی،این گونه بحثها را ایجاب می‌کرد.محیط بغداد و بر خوردهای‌عقیدتی و لزوم حفظ کیان تشیع و هدایت مردمان به راه راست،طرح‌بحثهایی درباره امامت را الزام می‌نمود.زمان برگزاری مجالس نیز بیشتر در ماه‌مبارک‌رمضان‌و گاه ماه رجب و شعبان‌بوده است،ماههای که انسان در آن به سوی‌خداوند راه می‌گشاید و تهذیب نفوس و تطهیر قلوب در سرلوحهٔ وظایف سخنرانان‌دینی

---

22. امالی مفید،آغاز مجالس اول،دهم،یازدهم،بیست و چهارم.

23. کامل،ابن اثیر،ج 9،ص 307.

قـرار می‌گـیرد و بحثهای‌اخلاقی‌جایگـاه خـویش را می‌یابـد.روایات‌اخلاقی‌امـالی‌طراوت و عطـر ویـژه‌ای دارد کـه قـلبها را به هیجان

می‌آورد و دیدگان را به‌گریستن وا می‌دارد،تأثیر چشمگیر این روایات از گـزینش اسـتادانه مـفید ریشه‌می‌گیرد.در این میان روایـات مفصـل اخلاقی‌چون‌صـحیفه زهـد امـام سـجاد(ع) (ص 200)و کلام امیر مؤمنان(ع) با کمیل«انّ هـذه القـلوب اوعـیة فخیرها اوعاها» (ص 274 زیبـایی خاصـی دارد مفید گاه با قرائت اشعار شیوا و دلنشین بـویژه در پایـان مـجالس،جلسـات رابه‌ذوق و ادب می‌آراید.[24]

بحثهای گونـاگون مربـوط بـه امـامت چـون لـزوم ولایت،لـزوم اطـاعت امـام، فوائـد محبت اهـل بیت،فضایل شیعه،علم ائمـه و مـظلومیت ائمـه،قسـمتی از موضـوع‌روایات اسـت.اثبـات امـامت امیر مؤمنان علی(ع)و سایر امامان‌نیزازراههای‌مختلف دنبال می‌شود،روایات و نصوصی کـه بـر امامت امیر مؤمنان علی(ع)دلالت‌دارد چون حدیث غدیر(ص 56)،و برخورد غیرعلمی و منفی ابـو حـنیفه بـا آنـ(ص 26)،حـدیث مـنزلت(ص 56)،سـلام صـحابه پیـامبر درحیات‌حضـرت،بـر علی(ع)به‌عنوان امیر مؤمنان(ص 18)،از این راههاسـت،بیـان فضـایل‌امیر مـؤمنان(ع)در لسـان پامبر در روایاتی چون حدیث تشبیه(ص)،و مسدود ساختن تمامی درهایی که به مسجد پیامبر بـاز مـی‌گردد بـجز در خـانه‌علی(ع) (ص 56)،حـدیث ردّ شـمس‌به‌خاطر علی(ع)(ص 94)،در همین راستا نقل‌می‌گردد.

پاسخ به برخی از شـبهاتی کـه در مـورد زنـدگانی ائمـه وارد آمـده بـویژه دربـارهٔ جنـگ جمـل-موضوعی که مفید را به تألیف کتاب مبسوطی وا داشـت-و طـرح‌پاره‌ای ازبـحثهای رایـج چـون عـدم عصـمت صـحابه(ص 38)، سـخن ابن عبـاس در انکـار عـول و تعصـیب(ص 48 و 284)،ذمّ اصـحاب قیـاس(ص 51)،نفی عـلوّ و تـقصیر در حـق امـام علی(ع)(ص 9)،کیفیت علم غیب ائمه(ص 23)، عدم ایمان‌مرتکبان‌کبائر(ص‌و نیز ص 274)که در ارتـباط بـا نظرات مرجئـه اسـت، نهی‌از مجالست کسی که خداوند را وصف می‌کند(ص 112)در ارتباط با اصحاب‌تجسـیم،منـاظره ذوالرمه و دؤبة بن العـجاج در افـعال انسانها(ص)درارتباط با بحث قضا و قدر،ایمان ابو طـالب و اشعارش در نصرت پیامبر(ص 304)در پاسخ‌به نـیاز کـلامی جامعه بوده است.

24. امالی،ص 316، 309، 300، 258، 251، 245، 155، 142، 131، 123، 116، 108، 41، 7.

2-تأثیر شرایط سیاسی بغداد بر شیوهء طرح روایات امالی و گزینش آنها مشهوداست، مفید در سال نخست یعنی در سال 404 با مطرح کردن ناشایستگی خلفاء پس از پیامبر،بر امامت بلا فصل امیر مؤمنان(ع)احتجاج می‌ورزد.داستان فدک و ممانعت ابو بکر از دادن آن به حضرت فاطمهء(س)(ص)،عزل ابو بکر از ابلاغ سوره برائت و سپردن آن به امام علی(ع)(ص 56) و ماجرای روز پنجشنبه آخر عمر پیامبر که حضرت در آن برای هدایت جاوید امت،قلم و دوات طلبید،ولی عمربا طرح«حسبنا کتاب اللّه»مانع گردید(ص 36)،دستور عمر به آتش زدن خانه حضرت فاطمه(س)(ص 49)،داستان قرض خواستن عثمان از بیت المال و خودداری وی از دادن رسید به خزانه‌دار با این بهانه که توخزانه‌دار مایی واعتراض عمّار یاسر و برخورد بسیار تند و خشن عثمان و ناسزای رکیک وی نسبت به عمّار،برخوردی که او را نیم روز بیهوش کرد و تبعیض سه خلیفه به سود اقوام و هم قبیله‌های خود از تیم وعدی و بنی امیه و سپردن بیت المال به اختیار آنها (ص 70)به همان انگیزه کلامی مطرح شده است.

ولی این گونه روایات د سال کمتر شده و تنها به اعتراض پدر ابو بکر به خلافت وی(ص)،شکایت حضرت فاطمه(س)از اولیاء امور(ص 95)، تبعید ابوذر بوسیله عثمان(ص 112،164)،نزاع عایشه و عثمان بر سر میراث پیامبرو نقش عایشه در منع فاطمه(ع) از میراث پیامبر و تحریک وی در کشتن عثمان(ص 125)و اعتراض امیرمؤمنان به ابو بکر و عمر در مسئله خلافت(ص 153)اکتفا شده است.

مجالس پایانی کتاب ازسال به بعد از این گونه روایات کاملا بر کنارست.

تفاوت شیوهء نقل روایات را بایددرمکان و زمان مجالس جستجو کرد،در سال 404 مجالس در خانه برخی از شیعیان برگزارمی‌شده نه در مسجد بخلاف سالهای بعد که محل تشکیل مجالس به مسجد انتقال می‌یابد و درنتیجه مفید می‌بایست نسبت به فتنه انگیزی فتنه جویان هوشیار بوده،بهانه به دست فرصت طلبان بیکارندهد.

تغییر زمامداران بغداد در این امر نمی‌تواند بی‌تأثیر باشد.در سالهای نخستین برگزاری این مجالس،فخر الملک زمامدار بغدادازسوی امیر بویهی بوده که احتمالا شیعی بوده و لااقل این قدر درباره وی مسلّم است که نسبت به شیعیان نظر ملایمی داشته است،در زمان وی

برپایی مراسم عاشورا و غدیر دوباره‌به‌گونه‌مسالمت آمیزی تجدید شد،وی در سال 406 در اهواز به قتل رسیدو جنازه او را به نجف اشرف منتقل کردند.[25] پس‌ازوی‌حسن به سهلان به نیابت از بویهیان(52)-

اداره امور بغداد رادراختیار گرفت،وی نسبت به شیعیان‌سختگیربوده و اصولا طبعی‌خشن‌و مزاجی تند داشته و حکمرانی‌ستمگربود.[26] وی شیخ مفید را در سال 409(و یا احتمالا در سال 408)از بغدادتبعیدکرد.[27]

به هر حال با وجود تفاوتهایی‌که در مجالس امالی‌ازجهت کیفیت توزیع‌روایت کلامی و اخلاقی‌وجود دارد هیچ یک از مجالس آن از این دو موضوع خالی‌نبوده بلکه‌درهر دو موضوع در هرمجلسی‌روایاتی‌عنوان گردیده است،تنها مجلس‌بیست‌و سوم در این‌موردوضعیت استثنائی دارد که جداگانه از آن سخن‌می‌گوییم.

در مقایسه امالی مفید با امالی صدوق‌و امالی شیخ از زاویه دیگری به‌موضوع‌روایات‌امالی خواهیم‌نگریست.

مشایخ معروف‌مفید در امالی

روایات امالی‌از محدّثان گوناگون نقل شده،روایات مشایخ در یک جا جمع نشده‌است(به جز در مجلس بیست‌و سوم)این امر می‌رساند که مفید درگزینش‌روایات‌نقش‌فعالی‌داشته‌و تنها مجموعه‌روایات‌مشایخ را به ترتیب املاء نکرده است، راویان اصلی امالی بخصوص در موضوع امامت،کسانی هستند که درنزدعامّه‌از اعتبار و وجهه برخوردارند،راویان شیعه بیشتر دراحادیث‌اخلاقی‌به‌چشم‌می‌خورند؛دراینجاما فهرست برخی از راویان معروف را به ترتیب مقدار تکرار روایات آنها در امالی ذکر می‌کنیم:

کل روایات امالی(بجز مجلس 23)339 روایت است:

-1ابو بکر محمد بن عمر بن‌محمد الجعابی حافظ معروف بغدادی(م 355):66 روایت.

-2ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه(م 369):40 روایت.

25. کامل،ج9،ص260؛ العبر،فی خبر من غبر،ذهبی،دار الکتب العلمیه،بیروت،1405،ج 2،ص 200؛ المنتظم،ج 12،ص 5.

26. کامل،ج 9،ص 306.

27. همان،ص 307.

-3ابو الحسن احمد بـن مـحمد الحسن بن الوليد(بدون شمارش مجلس(23):30 روایت.

-4ابو عبید اللّه محمدبن‌عمران مرزبانی(م 384):23 روایت.

-5شیخ صدوق محمد بـن عـلی بـن الحسین بن بابویه(م 381):22 روایت.

-6ابو حفص عمر بن محمد بن علی صیرفی معروف به ابن زیّات(م 375):
22 روایت.

-7ابو الحـسن علی‌بن‌محمد بن حبش[28] کاتب:19 روایت.

-8ابو الحسن علی بن خالد مراغی:18روایت.

-9ابو الحسن علی بـن بلال مهلّبی:17 روایت.

این روات تقریبا 76 درصـد روایـات کتاب راروایت‌نموده‌اند.

در این میان قاضی ابن‌جعابی‌خود به تنهایی از 339 روایت امالی،66 روایت یعنی حدود 1 روایات کتاب را نقل کرده است.

این جعابی و ابـو عبیـد اللّـه مرزبـانی و عمربن‌محمـد صـیرفی و علی‌بن‌محمـد بن حبش از روات مـعروف و شناخته شده در نزد عامّه هستند که بر روی هم تقریبا39 درصـد روایـات کتـاب را بـه خود اختصاص داده‌اند.[29]

مجلس بیست و سوم

در میـان مجالس‌امـالی،مجلس‌بیسـت و سـوم از وضـعیت کـاملا اسـتثنایی برخـوردار اسـت.این مجلس برخلاف تمامی مجالس دیگر بـدون ذکـر تاریخ می‌باشد و تنها در موضوع اخلاق بوده،اصلا روایاتی که در مورد امامت در آن دیده‌نمی‌شود،تمامی‌روایات‌آن به‌یک سند از احمد بن محمـد بن حسن بن ولید به اسنادش تا علی بن‌مهزیار نقل شده و از روایات سـایر مـشایخ اصــلا خـبری در آن نیست،این شواهد می‌رساند که این روایات به شیوهٔ‌املاء نقل نگردیده و در زمـرهٔ مجـالس امالی مفید به شمار نمی‌رود.تعداد روایات این مجلس نـیز خـود شـاهد گویایی بـر این معناسـت؛

28. نام وی دربرخی مصادر بـه اخـتصار و یـا نسـبت بـه جـدّ ذکـر میشـود،نامجدّویـدر امـالی بـه صـورت حبیشـدرج شـده،ولی در فهرست شیخ،رقم 7.از وی با عنوان علی بن حبشی الکاتب یادشده اسـت:سـپس شیخطوسـی از مفیـد[بـا لقب الشـیخ]حکـایت مـیکند کـه صحیح حبش بدون یاءمیباشد.خطیببغدادیترجمهوی را در تاریخ بغداد،ج 12،ص 87 تحت عنوان علی بن محمـد بن عبـد اللّهابو الحسن یعرف بابن حبشالکاتب آورده و مینویسد:و جدّه عبد اللّه هو الملّقببحبش.

29. ترجمه این راویـان رادرتـاریخ بـغداد،خطیب بغدادی،ج 3،ص 26 و 135،ج 11،ص 260 و ج 12،ص 87 بنگرید.

چه بر خلاف سایر مـجالس کـه هر یک در بر گیرنده‌حدودهشت روایت و حداکثر16روایت بـوده و به طور متوسط حدود هشت

صفحه کتاب را پر کرده است،مجلس‌بیست و سـوم دارای 47 روایـت می‌باشد که در ضمن آنها رساله اخلاقی‌طولانی‌از امام سجّاد(ع)ذکر شـده و 33 صفحه کتاب را شامل می‌گردد.این مقـدار روایت به‌هیچ وجه با یک مجلس املاء تناسب ندارد، مجلس امالی که استاد بـه نـاچار روایـات‌را آرام آرام می‌خوانده‌تاشاگردان بتوانند آن را بنویسند-خصوصا اگر عمومی باشد - پـذیرای بیش از حدود هـمان هـشت صفحه را ندارد.

این قسـمت امـالی قبـل از نخسـتین مجلسـی کـه در سـال 408 روز 24 رمضان‌انجام‌شـده‌درج‌گردیده و بـه نظـر می‌رسدکـه‌باتـوجّه بـه فـراهم نشـدن زمینـه برگزاری‌مجالس پیش از این روز، شیخ مفید قسمتی از کتاب زهـد عـلی بـن مهزیار را در اختیـار راوی‌کتاب‌امالی‌قرار داده تا آن را به جای مجالس‌انجام‌نشده در این‌مجموعه ثـبت نـماید،بنـابراین مـناسب است که این قسمت به عنوان جزئی از کتاب‌علی بن مهزیار به روایت‌شیخ‌مـفیدبـه گونه مستقل نشر یابد.

راویان

-1راوی اصلی کتاب و گوینده«اخبرنا»در آغازروایات بروشـنی معلـوم نیسـت،در مقدمـه امـالی مـفید عـلی بـن محمـد بن عبـد الرحمـان فارسـی را راوی کتـاب معرفی‌کرده‌اند[30] ، ولی این‌شخص‌کسی‌است که مجالس در سـال 404 در مـنزلش برگزار می‌شده و دلیلی‌براینکه راوی کتاب باشد در دست نیست،بلکه بنابر ظاهر تعبیر آغاز امالی راوی کـتاب او نیست.

بـه هـرحـال‌راوی‌امالی گـاه خـود حاضـر نبـوده و پسـرش ابـو الفـوارس یـا بـرادرش ابـو محمدعبدالرحمان‌یـا حـسین بن علی نیشابوری روایات را از شیخ مفیـد شـنیده‌اند،راوی مجـالس خود پس ازنسخه‌برداری‌از روایات مجالسـی کـه حـاضر نبـوده آنـها را بـر مفیـد قـرائت نمـوده است.[31]

آنچه تاکنون گفته‌شدگزارشی از نسخه چاپی امالی مفید بود.از سایر منابع،راویان دیـگری را کـه

30.

31. امالیمـفید،آغازمـجالس 4-17، 7-26، 12-13

در ایـن‌مجالس‌شرکت‌می‌کرده‌اند به دست می‌آوریم. شیخ طوسی در بسیاری از مجـالس حاضـر بوده و یـا پسـازمجلس،آنها را از شیخ‌مفید اخذ کرده است چنانچه پس از این خواهد آمد.

2- در بحاربه‌نقـل از کتـاب قبس المصـباح روایت نـخست مـجلس سـی و پنجم‌را از گـروهی از شاگردان‌مفیدنقل می‌کند،با این تصریح که شیخ مـفید آن را در روز شـنبه 3 رمضـان(همان‌تـاریخ ذکر شده در امالی)روایت کـرده است.[32]

این راویـان عـبارتند از:شریف مرشد ابو یعلی محمد بن‌حـسن‌بـن‌حمزه جعفری؛ شـیخ ابـو جعفـر محمد بن حسن طوسـی؛شـیخ صـدوق ابـو الحسـین احمدبـن‌عــلی‌نجاشی؛شـیخ زکی ابـو الفـرج مظفر بـن عـلی بن حـمدان قزوینی.

صهرشتی بـه جـز از مظفر بن علی،ازسایراین دانـشمندان در بـغداد اخذ حدیث کرده و از مظفر بن علی درقزوین.

امالی مفید و امالی صدوق

1-* محدث خبیر شیخ صدوق‌به‌امـلاءروایـاتی از تاریخ 18 رجب 367 تا 19 شعبان‌پرداخته کـه در ضمن کتاب امالی صـدوق گـردآوری شـده اسـت.در این 13 مـاه،97 مجلس‌امــلاء بــرپا شـده و درمجالس‌پایانی تصریح‌گردیده‌که‌در مشهد مقـدس در هنگـامی کـه صدوق‌به‌جــانب دیــار مـاوراء النهـر خـارج می‌شـده آنــها را امــلاء کــرده اسـت و به‌احـتمال‌بــسیار زیـاد دیگـر مجـالس نــیز درشـهرهای مشرق‌زمین برگزار می‌شده‌است.

بررسی تفصیلی این کتاب و مقایسـه‌ءجزئیات‌آن بـا امـالی مفیـد در این بخش‌از سـخن در نــظر نیست،بلکه ما تنهاازراویه شیوهء گـزینش روایـات و موضوعات‌طرح شـده‌در این مجالس بـه این دو کتاب می‌نگریم.

2-*روایــات امــالی صــدوق بــر خلاف امــالی مفیــددرمحور خاصــی نیســت و از بـــابهای مـختلف‌معارف‌دینی دراین‌کتاب‌روایت آمـده اسـت.بجز مـوضوعات‌اخلاقی‌و فــضایل اهــل بیت و امامت،روایـاتی در زمــینه فــقه،کلام،توحیـد،تفسـیر، تـاریخ زنـدگی پیـامبران و امامـان،مـاجرای شــهادت امام‌حســین(ع)، داســتان‌معراج، ثــواب و پــاداش اعمــال و جزآن‌دراین‌کتاب‌دیــده می‌شـود،روایـاتی درابطال‌حــکم‌منجمان،حقـوق حــیوانات،آداب نــزدیکی بـا همسـر،نسـب غـیر

32. بحار الأنـوار،علامه‌مجلسی،دارالکتب الاسلامیه،تهران،1380،ج 2،ص 180.

معروف امیر مؤمنان و مـوضوعات پراکـندهء دیـگر در امـالی صـدوق راهـیافته‌است.

-3*شیخ صدوق با گسترهء اطلاعات حـدیثی و آثارارزشـمندو بسـیارروایی‌واهتمام‌فوق‌العاده بـه امر روایات،گنجینهء گرانبهایی از علوم و معارف اهل بیت از خود بجای گذاشت،روایـات بسـیاری تنها از طریـق آثــار این محـدّث قمی بـه دسـت‌ما رسـیده اسـت،دانشـمندان قم‌بـا ارج نهـاده بـه روایات،میراث حدیثی گرانسنگی‌برای آینـدگان فـراهم آوردنـد و از این جهت حـوزه قم بـا حـوزه بغداد قابل مقایسه‌نیست،ولی کتابهای صدوق همگی در یـک سـطح از اعتبار نیست.شیخ‌صدوق‌در امالی به سان کتاب من لا یحضره الفقیه تنها بـه جمع‌آوری و نقـل روایـات معتـبر نپرداختـه،بلکـه روایات بسیاری در این کتاب دیده می‌شود که هیچ معلوم نیسـت که‌صـدوق خـود بـه‌مــضمون‌آنها ایمان داشته باشد،از این رو ما در امالی صدوق-بر خلاف امالی مفید-روایتهایی با منتهای دشــوار و نیازمند توجیـه و تأویـل کـه در سـطح‌عموم‌قابل‌طرح نیسـت و عمومـا ازجـهت‌سـند بـا اشـکال مواجهند،روبرو می‌باشیم، روایاتی چـون تـفسیر ابجـد(مجلس 52 و 53)،تفسـیر نـاقوس(مجلس 40)، منقــولاتی از وهب بن منبّـه و از کتابهـای یهـود و نصـاری(مجلس 1،33و 46)، روایــاتی از تفسیر منسـوب‌به‌امام حسـن عسـکری(ع)(مجلس 33،57)از این گونه‌روایاتنـد.روایـاتی از طـرق عامّه در ثواب شگفت انــگیز بــر بـرخی عبـادات ماننـد روزهــماه رجــب(مجلس 80)،روزه مـاه شعبان(مجلس 7)،روزه مـاه رمضـان(مجلس21)،نمـاز جمـاعت(مجلس 16)،نمـاز شـب(مجلس 48)،ثواب اذان(مجلس)درامالی صدوق یافت می‌شود که برای برخی اذهان قابل هضم نیست،در امالی‌صدوق داستانهایی نیز که از جهات تـاریخی چنـدان تأییـد نشـده چـون مــاجرای دو طــفلان مسلم(مجلس 19)قابل بررسی است.

امالی مفید ازاین‌جهت بسیارمنقّح و از دشواری بر کنار است،روایـات‌آن بـرای عمـوم قابـل درک بوده،و روایات عامّه نیز بیشتر درزمینه امـامت-کـه بالطبع‌می‌بایسـت در آن در درجـه نخسـت بـه روایات عامّه‌استنادشـود-ویـا روایات اخـلاقی‌قابل فهم افراد عادی می‌باشد.

البتــه روش مفیــد بــه عنــوان یک‌متکلّم زبردســت بــا اندیشــه‌های عقل‌گرایانــه و باگرایشــهای کلامی،ناچـار می‌بایسـت بـا روش صـدوق بــه عنـوان یک‌محـدّث برجسـته و مقیّـد بـه روایـات-بلکه‌به‌عقیده‌مفید،اخباری مسلک- متفاوت بـاشد مـفید در چـندین مورد از کتـاب تصـحیح الإعتقـاد

بر شیخ صدوق‌به خاطر گرایش‌اخباری اعتراض‌می‌کند.وی ظاهر گرایی و عدم تعمّق‌در روایات و پیـروی از راویـان را نکوهش‌نموده(ص 16)اعتماد بر روایات شـاذّو دور افتـاده را ناصواب می‌داند(ص 19،23،56،58) و مایل اسـت علاوه بـر نــقل روایــات،در مــعنای آن‌نـیز دقت شود(ص 22).

او می‌نویسد:اصحاب اخباری مسلک ما دارای ذهنی سـالم ولی دور از تعمّق‌بـوده و بهـره کمی‌از هوشیاری دارند و بـدون دقّت از کنار احادیث می‌گذرند و در سند آن تأمّل نمی‌کنند و حق و باطل آن را از هم جدا نمی‌سازند.[33]

البته مـا در این مقام‌درصـدد داوری بــین ایــن دو روش نیسـتیم،بلکـه تنهـا گـزارش آراء و تبـیین نگرش مفید به مسالک اخباریگری قدیمی در نظر بوده اسـت، بـا این حـال در اینجـا نبایـد از یـک مطلب مهم‌که‌اشاره بدان در ضمن سخن رفت‌غافل بود،که بـا توجـه بـه دشـواری فــهم و تأویـل خواهی و تفسیر پذیری روایاتی چند از امالی صدوق،مطـرح کـردن این کتـاب در سـطح عمـوم و ترجمه‌آن بدون پاسخ‌کافی و قانع کننده به شبهاتی که از طرح روایات آن ناشی می‌گـردد بـه هیچ عنوان‌شایسته نیست،ولی در امالی مـفید ایـن مشکل اصلا به چشم نمی‌خورد.

امالی شیخ‌مفیدو امالی شیخ طوسی

امالی شیخ طوسی‌مجموعه‌روایاتی‌است که وی از ربیع الأول سال 554 تا صفر 458 در هنگامی که به اجبار از بغـداد بـه شـهر مقـدس نجف‌کوچ‌کرده‌بــود در آسـتانه‌امام علی(ع)املاء می‌کـرده است،قسمتی از این‌مجموعه‌به صورت جزء جزء در18 جزء می‌باشد کـه آن را احیانـا امـالی ابن الشیخ می‌خواننـد. این نامگـذاری درست‌نیسـت بلکـه تمامی‌کتـاب،املاءشیخ‌طوسـی بـوده بـا این تفاوت کـه ایـن قسمت آن‌را فرزندشیخ طوسی،ابو علی حسن روایت کرده است،قسـمت دیگـر امـالی شیخ‌طوسـی بـه صـورت مجلس مجلس از چهـارم محـرم 754تاششم‌صـفر 458 در 26 مجلس،املاء شده است.در قسمت نخست روز برگذاری مـجالس‌روشـن‌نـیست و هر جزء ظاهرا چنــدین مــجلس را در بــر مــی‌گیرد،در قســمت دوم امــالی شــیخ طوسی‌تصــریح شــده‌که‌تمامی‌مجالس در روزهــای جمعــه برپــا شــده و این می‌رســاند این‌مجــالس شــبیه امالی‌مفیدکه‌در ماههای رمـضان و نـیز

---

33. تصحیح الإعتقاد،ص 38.

رجب،شعبان برگزار می‌شده‌در روز جمعه و به گونهء منبرهای‌هفتگی‌درهنگام توجه مردمان به خدا برگزاری‌می‌شده است.البته در این قسمت امالی طوسی در نسخه‌کنونی،اختلالات‌فراوانی‌راه یافته،تاریخ مجالس پس و پیش است،روایات در هم ریخته است که‌نشانگر پس‌و پیش‌شدن اوراق نسخه موجود می‌باشد،تواریخ مجالس نیز با هم‌نمی‌خواند مثلا مجلس چهارم محرم 457 و 26 صفر این سال هر دو در جمعه‌دانسته شده که با هم قابل‌جمع‌نیست[34] (مگربا تکلّف)و نیز 11 صفر 457 و 24 صفر این سال هر دو نمی‌تواند در جمعه‌باشد.[35]

به هر حال شیخ طوسی در این املاءها،روایات خود از مشایخ را هریک‌در جای‌مخصوصی و به دنبال هم آورده است،نخست از روایات مفید آغاز نموده و سپس روایات سایرمشایخ‌خودرا که بیشتر از عامّه‌اند نقل کرده است.بدین‌ترتیب ما نیز بحث و بررسی‌در مورد این دو کتاب را در دو قسمت دنبال می‌کنیم، نخست به جستجوی میزان تأثیر امالی‌مفددر امالی شیخ طوسی و ارتباط این دو کتاب با هم می‌پردازیم،سپس سایرروایات‌شیخ طوسی را با امالی مفید مقایسه‌خواهیم‌کرد.

تأثیر امالی‌مفید در امالی شیخ

شیخ طوسی به سال‌به بغداد وارد شده و تنها 5 سال آخر عمر شیخ مفید را درک‌کرده‌است، مجالس املاء حدیث مفید چهارسال‌قبل ازورودشیخ‌طوسی به‌بغداد آغاز شده است، شیخ طوسی‌یک‌سال پس از ورود،در سال 409 در این‌مجالی شرکت جسته است. وی درامالی‌خود در جزء اول و اوائل‌جزء دوم، مجالس 26 تاامالی مفید و در اواخرجزء‌دم تا اوائل جزء پنجم،مجالس 34 تا پایان امالی مفید را روایت کرده است.درمیان‌این روایات، روایات کمی نیز از ابن‌عقده‌و ابو غالب زراری‌دیده‌می‌شود که به روایت‌مفیدنیست، پس از پایان‌گرفتن روایات امالی مفید تا اوائل جزء نهم،روایات دیگری از مفید نقل‌شده‌است، بسیاری‌از این دسته روایات و روایات‌دیگرامالی شیخ‌ازمفیدبر سبک و سیاق امالی‌مفید نیست، بلکه بر خلاف روایات امالی مفید روایات بسیار از محدّثان امالی نقل شده چندین روایت‌پشت‌سر هم از ابو

34. امالی شیخ طوسی،مکتبه داوری،قم(افست از چاپ نجف)،ج 2،ص 138،157.

35. امالی شیخ طوسی،ج 2،ص 147،187.

الطیّب

حسین‌بن‌محمد نحوی‌حکایت‌گردیـده.[36] موضـوع‌جمله‌ای از احادیث‌بارروایـات امـالی مــفید سـازگار نیست مثلا عبـارتی بــه نــقل از وهب‌بن‌منبه‌اززبورروایت‌شـده اســت،[37] ولی‌بسـیاری از روایــات ایـن قسمت نیز درست بر همان شیوه امــالی مــفید می‌باشـد و از اینجـا این احتمـال بـه وجـود می‌آید که شای مجالس املاء مفید درسـال 411 پایـان‌نگرفته، بلکه شیخ مفیـد در سـالهای دیگـر از عـمر خــود نـیز بــه امــلاء و نــویساندن‌احادیث اشـتغال داشـته ولی راویـان مجموعـه کنـونی امـالی،در مـجالس آن حاضر نبوده‌اند.

نکته جالب توجه در اینجااین‌است که در اواسط جزء هفتم،روایـات مجلس21و 22 امـالی مــفید کـه در سال 407 یعنی قبل از ورود شیخ به بـغداد املاء گردیـد، روایت شـده اســت،گویـا شــیخ طوسی مدتهاپس‌از برگزاری ایـن مـجالس آن را از شیخ مفید اخذ نموده است.

پس از پایان یافتن روایات مفید،روایات کمی از مفید در پایان جزء چـهاردهم‌نیزروایــت‌شده و در بقیه اجزاء،روایات‌مشایخ‌دیـگر گـزارش شـده است.

به هر حال مـقایسه قـسمتهایی از امالی طوسی که از امـالی مــفید برگرفتـه شـده‌با این کتـاب می‌رساند که شیخ طوسی درمورداین روایات نقش فعّالی‌نـداشته‌و تــقریبا تمـامی روایـات مفیـد رابعین ترتیب،املاء نــموده اســت.تفاوتهـای کمی کــه در تــرتیب دیــده می‌شـود بـه این نــتیجه لطمه‌ای وارد نمی‌سازد،البته شیخ طوسی روایات‌غیر معصومین چون شـریح قاضـی(ص 245) و قطعـاتی از اشـعارامالی‌مفید را نقل‌نکـرده اســت،و در نــتیجه نقش چنـدان مـؤثری در گـزینش روایات بـازی نـکرده است، شـاید بــه هــمین جهت اسـت کــه عــنوان روایـات مفیـد از نسـخه معتبری از امالی طوسی‌که درکتابخانه‌ملک تهران‌نگهداری می‌شود چنین است:احادیث محمــد بن مـحمد بــن‌النعمان روایــة محمـد بن الحسـن الطوسـی،شـبیه این عنـوان دربــاره روایـت‌ســایر مشایخ نـیز دیـده مـی‌شود که ممکن است از آن برداشتی مشابه‌این‌برداشت‌بشود.

روایات امالی شیخ طوسی از غیر مفید

در امالی شیخ طوسی روایات بسیاری از مشایخ دیگری وی املاء شده‌که بیشتر آنها

---

36. امالی شیخ،اولجزءاول.

37. مالی شیخ،جزء 4،ج 1،ص 105 و نیز جزء 7،ج 1،ص 185.

بخصوص درقسمت‌معروف به امالی ابن الشیخ-سنّی هستند.شیخ طوسی در باره برخی از آنها چون ابن ابی الفوارس‌و ابن صلت اهوازی تصریح می‌کند که‌روایات را آنها املاء نموده و وی‌شنیده است[38] درباره جمله‌ای دیگرازمشایخ‌چون هلال حفّار و علی بن شبل نیز می‌نویسد که بر آنها قرائت می‌کردند و من‌می‌شنیدم[39] و در مورد پاره‌ای دیگر چون ابن حمّامی و ابن مخلد و حموية بن علی‌تنها به‌کلمه«قراءة علیه»اکتفا نموده[40] که ممکن است به قرائت شیخ و یا به‌قرائت شخص دیگری باشد،درباره گروه چهارمی از آنها معلوم نیست که روایت‌به چه نحو باشد.[41]

به هر حال شیخ طوسی از مشایخ‌خوددر سالهای409،410،411،413،417 در حیات مفید و پس از مرگ وی در اماکن مختلف بغداد چون خانه‌های‌مشایخ که در محلاّت گوناگون این شهر چون درب زعفرانی،محله بنی فزاره،درب‌سلولی،باب مخوّل و یادر مسجد رصافه در جانب شرقی بغداد،مسجد خیابان دار الرقیق و در خانه غضائری اخذ کرده است.[42] وی از ابو محمد فحّام نیز در سرّمن‌رای روایت دریافت داشته است.[43] و این خودرساننده‌تلاش مستمر شیخ طوسی‌برای جمع‌آوری حدیث از مشایخ-که بیشتر از سالخوردگان و معمّران بوده‌اند- می‌باشند.

ولی با این حال روایات امالی شیخ طوسی یک تفاوت اساسی با روایات‌امالی مفید دارد،در روایات‌امالی‌شیخ‌طوسی در بسیاری از مواردبه‌روایات‌بسیاری‌به طور متوالی به یک سند از کسانی چون ابن عقده(جزء 9 و 10)ابو قتاده(جزء 10 و 11)ابراهیم بن اسحاق احمری(جزء 14)ابوالمفضّل‌شیبانی(جزء 16-18)نقل شده که به نظر می‌رسد شیخ طوسی‌آنها را از روی کتاب این‌اشخاص املاء می‌کرده است.شیخ طوسی برخی از مجالس امالی را به طور کامل‌به‌روایت‌حسین‌بن عبید اللّه غضائری روایت کرده اتس.(جزء 15)

38. امالیشیخ،جزء 11،ج 1،ص 312؛جزء 12،ج 1،ص 340.

39. امالی شیخ،جزء13،ج،ص385؛جزء14،ج،ص.

40. امالی شیخ،جزء13،ج،صو 391؛ جزء14،ج،ص.

41. امالی شیخ،جزء9،ج،ص؛جزء10،ج،ص.جزء 11،ج 1،ص 189،193،195؛جزء 14، ج 2،ص 3،8.

42. به صفحاتی که در پاورقیهای قبل ارجاع داده شد مراجعه شود.

43. امالی شیخ،جزء10،ج1،ص 280.

با عنایت به اموربالابه این نتیجه می‌رسیم که شیخ در این کتاب به انـدازه‌مفید در امـالی به گونـه مستقل‌به‌گزینش‌روایات نمی‌پردازد و گزینش آنها تحت‌تأثیر املاءها یا کــتابهای مــحدّثان گــذشته می‌باشد.

بررسی موضوع‌روایات‌در این دو کتاب

موضوعات امالی طوسی بر خلاف امالی مفید بر یک یا چندمحورخـاص‌دور نمی‌زند و بـه سـبک و سـیاق امـالی صـدوق نزدیکـتر اسـت هـر چنـد بـه پراکنـدگی‌و گــستردگی‌امالی صـدوق نـیز نـمی‌رسد،روایات بــحث انگـیز و توجیـه پـذیر امـالی طوسـی‌نیز بـه اندازه‌روایات‌این‌گونـه امـالی صدوق نیست.

به هر حال در امالی مفید موضـوعاتی چـون داسـتانی از صـفیه‌بنت‌عبدالمطلب(ص 267)،کیفیت قسمت غنائم در جنگ خیبر(ص 268)،تاریخ‌وفات پیامبر به نــقل از ابـوبکربن‌حزم(ص 272)،بلنـد خوانـدن امـام صـادق(ع)بسـم‌اللّه الـرحمن الـرحیم را(ص 279)،مـدح عبـاس و ابن عبـاس(ص 280)،دعاء اسـتخاره(ص 299)،فائده‌انگشـترعقیق(ص 318)،نهی از نـذر پیـاده بـه حج رفتن(ص 369)،فائده خوردن کشمش(ص 375)،وياسايرميوه‌جات(ص 376)و یـا مسائل فـقهی(ص 357) دیده م شود،ما این موضوعات را تنها به عنوان نمونه آن‌هم‌ازجلدنخست امالی برگزیده‌ایم،نظـیر این موضوعات را در جلد دوم امالی نیز می‌یـابیم. البتـه موضـوع‌امامت‌و اخلاق در این کتـاب نـیز نقش والایی داشته و مورد اهتمام بوده است.

با یـک نـگاه اجمالی‌به‌سه کتاب امـالی از شـیخ صـدوق و شـیخ مفیـد و شیخ‌طوسـی چـنین‌به‌نظر می‌آید که گزینش امالی مفید ازدوکتاب‌دیگر حساب شده‌تر است و با حوصـله و دقت‌و وسـواس بیشتری صورت پذیـرفته است.

در ایــنجا بحث از امــالی مفیــد را به‌پایــان‌می‌بریم هــر چنــد بــرخی ازبحثهــای مهم چــون سنت‌املاءدرفرهنگ اسلامی و فهرست امـالی مختلف‌ازدانشـمندان‌مذاهب مختلـف،آغـاز املاء در تمدن اسلامی بر جـای مانـده کـه بـه تتبّع‌و جــستجویی‌دامنه‌دار نــیازمند اســت.معـرفی چاپهـای مختلف کتاب‌و ترجمه‌های آن نـیزدرایـن‌مقاله در مـدّ نظر نبود.

ج-مقنعه*

شیخ مفیدسرآمد متکلّمان و فقیهان عصر خویش بود و چنانچه بیشتر گفته شد پس ازکلام،موضوع‌اکثر کتابهای وی فقه می‌باشد،درمیان‌کتابهاو رساله‌های‌فقهی وی،کتاب‌مقنعه‌با اشتمال بر یک‌دورهٔ‌کامل فقه،مهمترین اثر فقهی وی‌بوده و بروشنی چهره فقهی مفید را می‌نمایاند،از این رودراین قسمت از مقال به‌بحث و بررسی‌این کتاب‌درضمن‌عناوین زیر می‌پردازیم:

-1گزارشی ازکتاب مقنعه؛2- مقنعه و آثار فقهی متقدّم؛3- جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود؛4- مقنعه و تهذیب الأحکام؛5- نکاتی درباره‌مقنعه.

گزارشی از کتاب مقنعه

شیخ مفید در پاسخ‌درخواست‌فردی‌که‌ازوی با عنوان«السیدالامیرالجلیل اطال‌اللّه فی عزّ الدین و الدنیا مدّته...»یاد می‌کند،مختصری در احکام نوشته است،وی‌در آغاز،عقائدی را که‌اعتقادبه‌آنها بر تمامی مکلّفان واجب است به‌گونه‌کاملا کوتاه‌و موجزذکرکرده است.[44]

با نگاهی اجمالی به این کتاب در می‌یابیم که مقنعه بیشتر به مسائلی که در روایات طرح شده نظر داشته است،این کتاب با طرح کردن دعاها و زیارات و نمازهای مستحبی طولانی و بابی در تاریخ ولادت و وفات امامان(ع)و جز آن،از محدودهٔ یک اثر فقهی به معنای مصطلح کنونی خارج شده و با نقل فراوان روایات‌فقهی،چهرهٔ فقهی-حدیثی به‌خودگرفته است و بویژه با توجه به عدم نقل پاره‌ای‌از روایات آن در مصادر حدیثی موجود به عنوان یک مصدر حدیثی تلقی می‌گردد.

این کتاب تنهایک‌متن فقهی که به ذکر فتاوی اختصاص داشته باشد نیست،بلکه در بسیاری از موارد با طرح آیات مربوطه-بویژه در آغاز ابواب-و یا روایات و اشاره‌به‌اجماع و اتفاق به استدلال‌برفتاوی پرداخته است،آیات نقل‌شده غالبا تفسیر شده‌اند.در نتیجه این کتاب را به عنوان اثری در فقه القرآن و فقه استدلالی نیز می‌توان مطرح نمود.

بدین ترتیب‌این‌کتاب در بر گیرنده‌موضوعات‌و مسائل مختلفی است که‌در آثار متأخر نه در ضمن یک کتاب بلکه در کتابهایی چند مطرح می‌شود،آنچه‌گفته آمد نگاهی گذرا به مقنعه بود.

تفصیل بیشتر

44. مقنعه،شیخ مفید،دفتر انتشارات اسلامی،قم،1410،ص 27-35.

حال با طرح مطالبی چند باشرح‌و تفصیل بیشتر و از دیدگاه نزدیکتری به این‌کتاب می‌نگریم:

-1عبارات مقنعه هر چند بیشتر در بر گیرنده مسائل منصوصه است ولی الفاظ آن الزاما عین الفاظ روایت نیست،بلکه در بسیاری مواردعبارات‌به انشاءخود مفید است.

-2 شیخ مفید در بسیاری از موارد به روشن نمودن مسائل طرح شده در روایات می‌پردازد و به‌اجمال و ایجاز بسنده نمی‌کند،امری که گاه به تکرار می‌انجامد.

-3گرایش به طرح‌مسائل‌به‌صورت جزئی در این کتاب مشاهده می‌گردد و از این رو به جای طرح مسائل به صورت کلی،احیانا دومسئله نزدیک به هم با عباراتی مشابه بیان می‌شود،مثلا در باب نماز(ص 103-137)در موردهریک‌از نمازهای روزانه،آداب و سنن مشترک تکرار شده است.

-4 مفید در باب نماز و حج ابتدا به‌تفصیل به ذکر اعمال واجب و مستحب‌آنها-بدون جدا سازی هر یک از دیگری-می‌پردازدو سپس آداب واجب‌رااز آداب‌مستحب جدا می‌کند،[45] در این جا استقلال عبارتهای مفید از عبارات روایات‌بروشنی دیده می‌شود و در عین حال عدم تمایل مفید به موجز نویسی و اختصار گویی‌نیز مشهود است.

-5 مفید در مقنعه به هیچ وجه به نقل اقوال و اختلافات نمی‌پردازد،همگی‌عبارات به صورت فتاوی قاطع بوده و جز در موارد کاملا استثنائی از احتیاط خبری‌نیست[46] وی در این کتاب‌ازهیچ فقیه امامی با ذکر اسم مطلبی نقل نمی‌کند تنها در باب حکم خمس در زمان غیبت-که مسئله غیر منصوصه است-به نقل اقوال‌مختلف بدون ذکر قائل آنها پرداخته[47] و نیز در باب‌جزیه‌به تفصیل به اختلاف‌اقوال فقهای عامه اشاره کرده است.[48]

جز اینها در موارد اندک دیگر نیز با کلمه«قیل»و یا نقل روایت متعارض به احتمال دیگر اشاره نموده است.[49]

---

45. مقنعه،ص 103-145 و 396-430 و 431.

46. بنگرید مقنعه،ص 247.

47. مقنعه،ص 285.

48. مقنعه،ص 270.

49. به طورنمونه مقنعه،ص 152،431،442،687.

6-در کتـاب طهارت‌بیشـتربه ذکــر فــتاوی پرداخــته و از ذکــر آیــات و روایـات‌خودداری شـده اسـت،هر چـند الفاظ فتوا در بیشتر موارد به الفاظ نصّ نزدیک است، ولی به صورت ذکر روایت نیست.کتاب صلات‌بـاذکـرآیـات و روایات آغاز شده‌و این‌امردر کتابهـای زکــات و صــیام و حــج و کـتاب انـساب و زیـارات ادامه یافته است، این ابواب از ذکر ادلّـه و روایات‌مشحون‌اسـت،ولی‌از باب نکاح تا پایان کتاب‌همچون کتاب طهارت‌روایت،کم‌نقل می‌شود.

7-ذکــر دعاهــای طــولانی و نمــاز و اعمــال مســتحبی دیگــر و فــراوانی روایــات در بابهــای نـخستین،حجم این بابها را بسیارگسترش‌داده‌است.در نتیجه ابواب‌عبادات و ملحقات آنها دو سوم حجم مقنعه‌را در بـر می‌گـیرد.این حجم لااقـل دو برابـر حجم متعـارف این بابهـا در سـایر کتابهـا می‌باشد.

8-مفیـد در پـاره‌ای ازفروع‌فقهی‌کـه در نگـاه نخسـت عــجیب بــه نظـر می‌رسـد بـا اشـاره بـه ورودروایت‌خاص از امامان معصوم در این مورد،لزوم عمل به این‌احکام را گوشزد می‌کند.[50]

9-مفید گاه به بیان علت حکم چون‌مشقت‌و سختی و مخالفت بـا مـلوک‌و لطـف الهی و رحمت حضرت حق و مانند آن‌می‌پردازد[51] که‌بیشتربرای تقریب‌ذهن است نه اشاره به مدرک حکم.

مفید گاه روایات متعارضه را ذکر کرده‌و با تـوجه بـه عدم تنـاقض در کلام امامـان‌بر لـزوم جــمع مـا بین آنهاتأکیدمی‌ورزد،مثلابا توجه به روایاتی که زکات را تنها در نه چیز واجب می‌دانـد روایـات دیگری‌رادر مورد زکات در سایر حبوبات،حمل بر استحباب اکید می‌کند.[52]

10-مفید در بـاب اوقـات نمازبه‌تفصیل‌دربـاره عـلائم نجومی وقتهای نمـاز سـخن می‌گویـد[53] کـه آشنایی وی را با این مسائل نشان می‌دهد،در باب‌اصناف‌اهل‌جزیه به طور مشروح به

نقل اقوال فقهاء عامّه و استدلال درصحّت‌و سقم آنها و ذکر طوایف مختلف کافران چــون یــهود و نصاری و مجوس و صائبیان و مانویه‌و مزدکیه(مزدقیه)ودیصانیه و مرقونیه و ماهانیه و کیثونیه و سـمنیه و حکم فقهی‌آنهادرمسـئله جزیـه پرداختـه اسـت و در مـورد آراء اساسـی بـرخی از آنهـا

50. مقنعه،ص 60،238،240،346،350،361،362،و غیر آنها.

51. مقنعه،ص 70،357.

52. به طور نمونه مقنعه،ص 244،248،269،277،352.

53. مقنعه،ص 92.

بویژه‌صائبیان توضیحاتی داده تابتواندنظر فقهای عامه را در این مورد پاسخ دهد.[54]

-11در بـــاب مـواریث دربـــاره‌فروع‌مختلف ارث و شـیوه و محاسـبه و تقسیم‌میراث‌بحث‌شـده است[55] البته در کتاب میراث در بسیاری‌ازکتابهای علمای سـابق‌حتی در کتابهـای حـدیثی،فرعهـای مـــفصلی بجـــز فـــروع وارده در آیـــات و روایات‌طرح‌شـــده اســـت،مثلا در کـــافی ازیـــونس‌بن عبدالرحـمان‌و فـضل بـن شاذان مسائل‌بسیاری در این‌باب‌نقل شده است.[56]

11-مفید پس از شش باب از ابـاب عبـادات،بابهـایی را به‌عنوان‌بـاب زیـادات گـــشوده کـه در آن بیشـــتربه‌ذکر روایـــات و گـــاه مســـائلی کـــه در فصـــلهای قبل‌ذکـــر نشـــده پرداختـــه اســـت،در پایـان‌کـتاب‌صیان دو باب زیـادات دیده‌می‌شـود،[57] این‌ابواب‌می‌بایسـت‌از افزوده‌هـای مـؤلف‌پس‌از تألیف کتاب برآن‌باشد.

-12مفید در اثبات حـرمت ذبیحه‌های اهل کتـاب و ازدواج بـا زنـان ایشـان بحث‌نمـوده اسـت.[58] این‌دوبحث کلامی کـه مفیـد را بـــه‌تألیف‌دو کتاب‌مستقل‌نـیزواداشـــته، گـرایش کلامی مفیـد رادر مقنعه نیز می‌نمایاند.این گـرایش در مبـاحث دیگـری از جملـه جـواز وصـیت بـه سـود وارث[59] نـیز مشاهده‌می‌گردد.

برخی از نکات خاص مقنعه در بخش‌مستقلی‌درپایان‌این‌قسمت از مقال‌مطرح‌خواهندشد.

بـا عنـایت بـه آنچـه گذشـت در می‌یـابیم کـــه مقنعـه بـر خلاف آنچـه گـاه نوشته‌می‌شـود تنهـا یک‌اثرفقه‌منصوص نیست که بـه روایـات اختصـاص داشـته‌و باحذف‌اسـنادآنهاتنهابه متـون روایـات اکتفا شده باشد،البته در بسیاری از مباحث بویژه‌در بـاب مـعاملات،الفاظ مقنعه به الفاظ روایات نزدیک است.از سوی دیگر مقنعه‌تمامی فرعهای ممکن را نیز دربر ندارد و

مسائلی که در روایات نیامـده در آن اندک‌اسـت بنـابراین،این کتـاب فقـه تفـریعی نبـوده بلکـه در

---

54. مقنعه،ص 270-272.

55. مقنعه،ص 706-718.

56. کافی،ج 7،کـتاب‌المواریث.

57. مقنعه،ص 195،230،253،279،378،440

58. مقنعه،ص 580،581.

59. مقنعه،ص 670.

مجموع، فقه روایی به حساب‌می‌آید، از ایـن رو عـبارت شیخ طوسی در مقدمه مبسـوط-که‌درآن کتب فقهی پیش‌از مبسوط را تنهـا در دایـره فقـه روایی و برکنـار از تفرعـات می‌دانـد-تقریبـا در مورد مقنعه نیز می‌تواند صادق باشد.

مقنعه و آثار فقهی متقدم

پیش از کتاب مقنعه‌کتابهای‌فقهی بسیاری بـه دسـت دانــشمندان شــهرهای مختلف‌و بـه سـبک و سـیاق گونـاگون بـه رشـته تحریـر در آمـده و پس از این کتـاب نـیزادوار مختلفی‌بـر فقـه شـیعه گذشت.گزارش گویاو پخته‌ای از تاریخ تحول و تکامل فقه‌شیعه توسط جناب حجت الاسـلام سـید حـسین مـدرسی طـباطبائی در مقدمـه زمین در فقـه اسـلامی و کـتابشناسی‌فــقه شــیعه ارائـه سده‌که‌مراجعه بدان سودمند است.

متأسفانه اکنون از بسیاری از آثار متقدّم بر مقنعه مفید خبری در دست‌نیسـت و تنهـا بنـدهایی از پاره‌ای از آنها در کتابهای دیگر بـویژه کـتب مـحقق و علاّمه‌وشهید اول به چشـم می‌خـورد،از این رو نمی‌توان مـقایسه دقـیق و همه جانبه‌ای‌میان مقنعه با آثار متقدّم صـورت داد و اثرشـان را در این کتاب ردیابی کرد،بدین‌ترتیب می‌بایست از آثارفقهی‌دوران حضورامامان و اکـثر آثــار فــقهی عـصر غیبت‌صغری درگذشت،هر چند شواهدی دلالت بر آن دارد که لااقل بیشتراین آثـار به‌شــیوه فقه روایی و در قالب کتاب حدیثی نگارش‌یافته‌بودند[60] وبالطبیعه اثری‌فقهی به معنـای کنـونی بـه حساب نمی‌آمدند.

در این عــصر و پس از آن فــقیهانی صــاحب نـام می‌زیسـتندکه کم و بیش آراء و انظارشـان در کتابهای بعدی مطرح می‌گردد،مناسب مـی‌نماید کـه‌ازبرخی‌از آنان‌یاد شـود و نحـوه اتّصـال مکتب فقهی شیخ مفید با آنها تبیین گردد،در ابتداباید از شـیخ جـعفر بـن محمد بن قولویـه(م 368) نـام برد که شیخ مفید درنزد وی فقه آموخته‌ومـهمترین‌و شـاید تـنها استاد فقه وی باشد،در میان آثــار و نام چندین کتاب فقهی‌دیده می‌شود.[61] که بسیاری از آنهـا را نجاشـی در نــزد مــفید خــوانده اسـت،هیچ یک‌از این کتابهـا در دسـت نیسـت‌و در نتیجـه

---

60. از جمله،این گفتهابوعــلی طـوسی کــه اولین کسـی کـه اسـتاد را از متـون روایـات جـدا سـاخت علی بن بـابویهبود(بحـار،ج 107،ص 30)

61. رجال نجاشی،رقم 318؛فهرست شیخ،رقم 130.

نمی‌توان از محتوای آن گزارش داد.

ابن قولویه از فقیهان بزرگی چـون کـلینی(م 328 یا 329)،علی بن بابویه(م 328 یا 329)،محمد بن حسن بن ولید کلینی(م 343)،ابن ابـی عـقیل،ابوالفـضل‌محمدبن احمد صـابونی جعفی روایت می‌کند[62] و در نتیجه می‌تواند واسطه اتصال‌مفید با این دانشمندان باشد.

نظرات کـلینی در کـتاب کافی،و محمد بن حسن بن ولید در کتاب جامع با

-(26)

نقش ایـن فـقیهان تنها در گزینش روایات مورد فتوا و تنظیم و تبویب آنها می‌باشد،علی بن بابویه نخستین شخصیتی بودکه‌بـاحـذف اسـناد روایات،متنی‌فقهی از متون‌روایـات‌فراهم‌آورد،[63] مطـالب این کتاب با راه یـافتن بنـدهایی از آن‌در آثـار مــتأخر چـون مقنـع و کتـاب من لا یحضـره الفقیـه توانســـت تاحدودی‌باقی‌بمانـــد.گـــرایش‌علی بن بابویـــه ظـــاهرا همســـان گـــرایش پســـرش شیخ‌صدوق‌بوده که‌در فصل بعدی از آن سـخن خـواهیم گفت،کتـاب فقـه الرضـا نــیز کــه ظـاهرا همان کتاب‌تکلیف شلمغانی است[64] به همین‌گـرایش‌و مـشابه اثـر علی بن بابویه می‌باشد.

ابو الفضل صابونی فقیه بـلندرتـبه و پر اثر شیعی،صاحب کتـاب فـاخر و کتابهـای بسـیار دیگـر در ابـواب مختلـف فقــه در مصـر ســاکن بـــوده‌و ابـــن‌قولویه بـرخی‌از کتابهــایش را از وی روایت مـی‌کند،هیچ یـک از نجاشی‌و شـیخ در ذکـر طـرق خود به وی از شیخ مفید نام نبرده‌اند[65] و اصـــلا مـعلوم نیست که کتابهای‌وی‌به‌حوزه‌بغداد رسیده باشد.

در این طبقه حسن بن علی بـن عقیل عمانی فقیه‌متکلّم‌نامداربـا تألیف‌کتـاب مشـهور المتمسـک بـحبل آل الرسـول مهمترین جایگاه فقاهتی را به خـود اختصاص داد[66] ،بـندهایی‌ازاین‌کتاب کــه در

62. رجال نـجاشی،ارقام 100،1022،1026؛فـهرست شیخ،ارقـام 591،877،886 و نـیز بهآثارمفیـد و کتابکامـل الزیـارات،ابـو قولویه مراجعه شود.

نقل احادیث صورت مـیگرفته است.

63. بحارالأنوار،ج107،ص 30.

64. ببینید رساله فصل القضاء فی الکتاب المسمی بفقه الرضا،تألیف مرحوم آیتاللّهسـیدحـسن صدر،که در ضـمن کتـاب آشـنایی با چـند نـسخه خـطی،قم،1396 ق از صـفحه 389 تـا 442 بهچاپرسـیده است.

65. رجال نـجاشی،رقم 1022؛ فهرست شیخ،رقم 877.

66. رجال نجاشی،رقم 100؛ فهرست شیخ،رقم 193،886.

کتابهــای بعــدی بــویژه مختلــف علاّمه‌نقــل شــده،نشــانگر اســتقلال اندیشــه و قــدرت فـقهی‌ویـ‌می‌باشد.اثر فقهی وی شاید نخستین کتاب فـقه بـه شـیوه‌ای غیر از فقه روایـی باشد.به‌گفته‌نجاشی‌شیخ مـفید وی را بـسیار می‌ستوده است.نجاشـی کتـاب کـرّ و فـرّ ابن ابی عقیـل راکه‌در امـامت بـوده‌در نـزد مفیـد خــوانده آن را بــه ملاحت وصـف می‌کنـد، بدرسـتی معلوم‌نیست‌کـه‌ســتایش‌مفید از ابن ابــی عــقیل از شــخصیت کلامی وی بـوده یـا از شــخصیت فقهی او، همچنین معلوم نیست‌که‌کتاب المتمسک بحبل آل الرسـول تـا چـه حـد در مــقنعه اثــر گذاشته اسـت،به کار رفتن تعبیر آل‌الرسول‌و آل محمد در پـاره‌ای از عــبارات مــقنعه[67] می‌توانـد نـشانی از ایـن تـأثیربـاشدبویژه تعبیر آل الرسول کـه ابن ابی‌عقیل‌آن‌را مکـرر بـه کـار بـرده[68] از آن درنام‌کتابش نیز بهره گرفته است.

شیخ مفیـد علاوه بـر ابن قولویـه از فقهـای دیگرچون‌شـیخ صــدوق(م 381) و محمـد بن‌احمـدبن داود(م)نیزروایت‌می‌کند،ولی معلوم نیست نزد آنها فقه‌آموخته‌باشد.

فقیه دیگری که از اساتید شیخ مفید می‌باشد محمد بن احمد بن جنیداسکافی‌مؤلف‌دو کتـاب مهم تهذیب الشیعة و المـختصر الأحـمدی للفقه المحمدی‌می‌باشـد، ابن‌جنیـد متکلّم برجسـته و پراثـر-کـه‌بـه همــراه ابن ابی عقیــل بــا لقب قدیمین‌خوانــده می‌شــود-چــون همتــایش دارای اســتقلال رأی‌بوده‌اسـت،ولی گـرایش وی‌بـه قیـاس[69] و آراءخاص‌دیگرش‌شـاگرد او رابرعــلیه او شــورانده اسـت؛شـیخ‌مفید شـدیدابر وی حملـه کـرده [70] و دو عنـوان کتـاب بـر ضـدش تـألیف می‌کند[71] ، در نتیجه‌وی نمی‌تواند نقش‌مهمی‌در شکل گیری فقه شیخ مفیدداشته‌باشد.به هـرحـال‌ممکن‌است‌مقنعه یک اثـر کـلام‌ابــتکاری باشـد کـه البتـه از تـأثیر آثـار

---

67. به طور نمونه مقنعه،ص 228،240،245،246،362.

68. رسـالتان مجموعتـان مــن فــتاوی العلمین،ابن بابویـه و ابن ابی عقیـل بـه کوشــش عبـد الـرحیم بروجـردی و علیپنـاه اشتهاردی،قم،1406،ص31،50،62،67،68،80،84،107،113،122،129،131،136،137،151ـ 152ـ 162ـ 164ـ 166ـ 168 و نیزر.ک:ص123723.

69. فهرست شیخ طوسی،رقم 590؛رجال نجاشی،رقم 1047.

70. المسائل الصاغانیة،ص 17-22.

71. یکی به نام(نقض)رسالة الجنیدی الی اهل مصر و دیگری با نام«النقض علی ابن الجـنید فـی اجتهاد الـرأی»کـه اتــحاد آن دو محتمل است.رجال نجاشیرقم1067.

متقدم بویژه‌آثار ابن قولویه و نیز کتاب ابن‌ابی‌عقیل و آثار صدوق نباید برکنارباشد.

تنها اثرقابل‌توجه در اینجارساله‌ای‌بوده است منسوب به امام هادی(ع) به نام:المقنعه فی ابواب الشریعه که رجاء بن یحیی عبرتایی آن‌راروایت‌می‌کند.[72] با توجه به عدم امکان دستیابی به‌این‌کتاب،ارتباط‌مقنعه‌مفیدباآن قابل بررسی نیست. همچنین با فقدان اکثر آثار متقدم بر مقنعه مفید،بیش از این نمی‌توان در این باره سخن گفت.

نمایاندن جایگاه مقنعه در میان آثار موجود متقدم و متأخر فقهی بویژه‌دو کتاب مقنع صدوق و نهایه شیخ طوسی در عهده بخش بعدی قرار دارد.

جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود

-1 از آثار فقهی پیش از عصرمفیدتنها کتاب صدوق در برگیرنده‌تمام ابواب‌فقه بوده و نسخه آن اکنون در دست می‌باشد.پس از شیخ مفید-حتّی از سید مرتضی-یک متن کامل فقهی به سبک مقنعه سراغ نداریم.البته کتاب‌انتصاردر بر گیرنده تمام ابواب‌فقه‌می‌باشد ولی نه در تمامی مسائل، بلکه فقط در مسائلی که‌امامیه بدان منفرد بوده و یا گمان انفرادشان در کار بوده است. جمل العلم و العمل‌سید مرتضی نیز با وجود مشابهت‌هایش بامقنعه‌یک دوره کامل فقهی نیست. پس‌از سید مرتضی نهایهء شیخ طوسی با سبک و سیاق مقنعه در تمام ابواب فقه تألیف‌شده است.وجود مشابهت بین مقنع و مقنعه و نهایة ما رابرآن داشت‌که در این‌بخش محور بحث را،این سه کتاب قرار داده،جایگاه مقنعه را در این میان باز شناسیم.در ضمن‌بحث به صورت اشاره به سایر کتابها نیز خواهیم پرداخت.

-2این سه‌کتاب‌به‌یک معنی فقه منصوص بوده و فقه تعریفی به حساب‌نمی‌آیند،هر چند در مقنعه و نهایه در حد محدودی‌مسائل تفریعی دیده می‌شود، ولی قالب کلی این دو کتاب نیز همان فقه روایی‌است.درهرسه کتاب،ابواب‌عبادات در آغاز و ابواب معاملات و احکام در پایان قرار گرفته،در شیوه تنظیم‌بابها شباهت فراوانی بین آنها دیده می‌شود ولی این سه کتاب هر یک دارای‌سبک و اسلوب مختص به‌خودمی‌باشد.

-3مقنع صدوق را می‌توان یک متن حدیثی فقهی تمام عیار دانست که فتاوی‌در آن به عین الفاظ روایات یا نقل به معنای آن و گاه با نقل خود روایت صورت‌می‌گیرد،عبارات صدوق‌در

72. رجال نجاشی،رقم 439.

مقدمه کتاب نیز به این امر اشارت دارد.[73] از این رو عبارات مقمع در کتب‌حدیثی‌بسان روایت نقل می‌شود،البته صدوق در این کتاب‌تغییرات کمی در متن روایات چون:تبدیل صیغه غائب به مخاطب،یکنواخت کردن‌تعابیر،تنظیم و ترتیب آنها و مانند آن انجام داده که از محدوده نقل‌به‌معنی،فراتر نمی‌رود،در مقنع بحثهای غیر فقهی چون ثواب برخی از کارها مستحبی(ص 94) نیز دیده می‌شود.

در مقنعه،فقه از حدیث امتیاز پیدا کرده،هر چند بیشار مسائل طرح‌شده از روایات برگرفته شده،ولی‌تمامی عبارات، الفاظ احادیث‌نیست‌و تفریعات در آن حدّ محدودی راه یافته‌است. این کتاب در واقع مجموعه‌ای‌است از فتاوی فقهی و استدلالات‌کوتاه آن و فقه القرآن و روایات فقهی‌و دعاء و زیارات و تاریخ ولادت‌و وفات‌امامان‌معصوم، و در این کتاب فقه‌به‌معنای‌کنونیش‌از سایر گونه‌های‌معارف دینی تمایز کامل نیافته است.

شیخ طوسی معارف گوناگون طرح شده در مقنعه را تفکیک کرده هر دسته‌را به‌کتاب‌خاصی‌انتقال داده و کتاب نهایه را تنها درفتاوی‌تألیف کرده است‌وصف یا عنوان این کتاب[74] در فهرست شیخ نیز بر این معنی ناظر است:النهایه‌فی مجرّد الفقه و الفتاوی.

4-مقنع صدوق‌ازترتیب چندان جالبی برخوردار نیست و باب بندی آن‌کتاب المقنع‌لقنوع من یقرئه بما فیه،و حذفت الاسناد منه لئلاّ یثقل حمله و لا صعب حذفه،و لا یملّه قاریه‌اذکان‌ماابیّنه فیه فی الکتب الاصولیة موجودا مبینا علی المشائخ العلماء الفقهاءالثقات.

بنابراین نام کتاب نهایه خواهدبود، ومحتمل‌است این عبارت جزئی از نام کتاب باشد ولی احتمال نخست نزدیکتر می‌نماید.

اندک بوده‌و بویژه‌در بابهای غیر عبادات تنها به عناوین کلی مانند باب الوصایا اکتفا شده و باب‌بندی‌ریزتری انجام نگرفته است،تعابیر روایات گاه بخوبی از قالب حدیثی خود خارج نشده و درنتیجه‌تعبیرات نامطلوبی در کتاب دیده‌می‌شود.[75]

---

73. عبارت مقدمه مقنع پس از خطبه کتاب چنین است:قال محمّد بن علی:ثم انّی صنفت کتابی هذا و سمّیته

74. عبارت(فی مجرد الفقه و الفتاوی)پس از ذکر نهایه در فهرست شیخ رقم 699 میتواند به عنوان تفسیر نامکتاببودهمانند کتاب المفصح فی الإمامة،کتاب المبسوط فی الفقه.

75. مثلا در مقنع،ص 164 میخوانیم:فان اوصی بربع ماله فهو احبّمنان یوصی بالثلث،این تعبیر قسمتی از

مقنعه از نظر ترتیب در مجموع بهتر و با اشتمال‌برباب بندی منظمتر و جزئی‌تر،نظم و انسجام بهتری به خود گرفته است،ولی این کتاب‌هنوزترتیب‌و تبویب چندان منطقی نیافته است،در آن عبارتهای مکرّر و طولانی دیده می‌شود.

شیخ طوسی با تألیف‌نهایه‌با به کار گیری الفاظ کوتاه و پخته و با ترتیب‌منطقی‌تر و پرهیزازتکرارهای فراوان،متن منسجم‌تری را ارائه می‌دهد.شیخ به‌همین انگیزه مسائل را در قالبهای کلی‌تر ریخت.ایجاز گویی‌نهایه‌باعث‌شد که این کتاب به نسبت فروع بیشتری که دارد از مقنعه پربرگترنگردد.

5-تعداد ابواب این سه کتاب متفاوت است.در مقنع در مجموعه 101 باب‌دیده می‌شود که تنها کمی‌بیش‌از یک چهارم آن یعنی 27 باب آن از ابواب غیر عبادی است.مقنعه‌باب دارد که 7 باب آن به‌اصول‌عقائدو 49 باب آن در انساب و زیارات‌است،درنتیجه بابهای فقهی آن 294 باب می‌باشد که برخی از آنها به فصول فرعی‌تری‌نیزانقسام می‌یابد از این تعدادکمتراز نیمی‌ازآن‌یعنی151باب آن به ابواب غیرعبادی‌اختصاص دارد.کتاب نهایه شیخ 214 باب‌بوده که بیش از نیمی از آن‌یعنی‌باب آن،در معاملات می‌باشد. بدین ترتیب‌بتدریج‌معاملات در این سه‌کتاب‌عنوانهای بیشتری را به خوداختصاص‌داده و بابهای بیشتری را شامل می‌شود.

تفاوتهای این سه کتاب در شیوه و روش‌و چگونگی بابها و ترتیب آنهاو تقسیم‌بندی‌کلی فقه و ابواب‌آن بسیار است که‌پرداختن‌به تمام جزئیات آن سخن‌را به‌درازامی‌کشاند.

بدین ترتیب‌می‌توان مقنعه مفیدرادر تکامل مقنع صدوق در نگارش فقه‌روایی دانست.این سیر تکاملی با تألیف کتاب نهایه به پایان‌می‌رسد.

6-بخش فقهی‌جمل العلم و العمل سید مرتضی دراین‌میان‌هرچندیک‌دوره‌کامل فقه نیست،ولی در همان سبک فقه روایی با استقلال بیشتری از حدیث تألیف‌شده است.نظم و ترتیب این کتاب از مقنعه بهتر می‌نماید و البته جا پای‌مقنعه در زوایای مختلف این کتاب به چشم می‌خورد،میزان فروع جمل العلم و العمل هرگز در حد نهایه شیخ نیست.تلاش شیخ طوسی در پیشبرد فقه با تألیف نهایه به فرجام‌نرسید،ولی با تألیف‌آثارموجز و استوار به پختگی

روایتازمعصوم(ع)بوده و گوینده(فهواحبّالیّ)امام معصوم است،به کارگیرایین عبارت در مقنع بدون تغییر لازم،صحیح نیست.عبارت مقنعه ص 669 در اینجا مناسب است:الوصیة بالربععندآلمحمد احبّ الیهم من الوصیة بالثلث.

بیشتر فقه یاری رساند،نمونه‌یک متن منقّح و مـوجز و در عن حـال گویـا و بـا ترتیـبی منسـجم و تقسیم بندی منطقی‌و استفاده از ارقام‌و به اصطلاح با بهره گیری از روش کلاسیک،جمل العقــود شیخ‌طوسی است،شیخ به جز تـألیف کـتاب مسائل الخلاف در فقه تطبیقی،با تألیف‌مبسوط فقــه شیعی‌رابا تعریفات فراوان آشنا ساخت،وی‌دراین کتاب با اخذ عناصر زنـده و مسـائل بسـیاری از فقه اهل سـنت و اسـتخراج حکم آنهـا از منـابع اصیل‌قرآن و عـترت،بـدون اسـتفاده از قــیاس‌و استحسان،توانایی مصادر فقه شیعه‌رادر استنباط احکام به اثبات رساند.عناصر جدید در مبســوط گاه بخوبی حل نشده و در نتیجه در این کتاب به نوعی آشفتگی بـر مــی‌خوریم،این آشــفتگی در تألیف جـاودان‌محقّق حلی،شـرایع الأحکـام حــل شــده،[76] محقق‌پس‌از تـألیف شـرایع گزیـده‌ای از آن‌را به نام مختصر نافع تـألیف کـرد کـه در پیراسـتگی و انسـجام و پختگی در میـان متـون‌فقهی بی‌مانند است.

به هر حال بررسی کامـل سـیر فـقه‌پســاز مقنعه‌مفیـد در این مــختصر نمی‌گنجـد.تنهـا در ایــنجا اشاره می‌کنیم که آثار متأخر از مقنعه چون آثار مرتضی و مفیدو مراسم سـلاّر و مهـذّب و شـرح جمل ابن برّاج هیچ‌یک‌ازتأثیر این کتاب به‌گونه مستقیم یا غیر مستقیم بر کنار نــبوده‌اند،تنهـا اثــر کاملا مستقل در این دوره‌کتاب کافی‌ابوصلاح‌حلبی است.

-7بـرخی تحـولات تـدریجی در متـون فقهی این دوره دیـده می‌شـود کـه شـایان‌تأمل اسـت.در مقنعه‌ذکـر اخـتلاف فتاوی اصـلا دیده نمی‌شود و تنها گاه روایات‌متعارضی ذکـر شـده و چگـونگی برخورد با آنهابیان‌گردیده است.در مقنعه ذکـر اختلاف اقــوال در حـدّ کمی دیـده می‌شـود،فتـاوی همگی به صورت جازم و جز در موارد کـاملا نـادر،از احـتیاط خبری

نیست.ذکر اختیاط در نهایـه بسـیار بیشـتر می‌گـردد.[77] و نقـل اختلاف آراء افزون‌می‌شـود،ولی در هیچ یک از این کتابها به‌صراحت نام دانـشمندان گـذشته بـرده نشـده و نظـرات ویـژه آنهـا طـرح نشده است. محقق حلّی در آثـار خـود بـه صــراحت نــام دانــشمندان گذشـته را بـرده‌و بـه آراء خاص‌آنها اشاره می‌کند،وی از تعابیر غیر جزمی متنوعی چون اقـوی،اشـبه، احـوط، اظهـر،بسـیار

---

76. ببینید زمیندر فقه اسلامی،سید حسین مدرسی طباطبائی،دفتر نشر فرهنگ اسلامی،تهران،1362 ش، ج 1،ص 62.

77. مثلا ببینید النهایة و نکتها،شیخطوسی،دفترانتشارات اسلامی،قم،1410،ج 1،ص 204،ج 1،ص 204،242،247،279،ـ 282، 286، 292، 293.

بهره گرفته و بـه نقل اقوال علما با تصریح به نام آنها می‌پردازد، بدین‌ترتیب فقه بتدریج از چهـره کـاملاجزمی‌خود در مقنع، به چـهرهء تـوأم با تردید و احتیاط در کتب محقق حلّی رسیده است.

البته از نظر نباید دور اشت که اختلاف نظر علمـا در اعصـار متقـدم بـر محقق‌حلّی نیزهرچنـد در سـطح محـدودتر وجـود داشـته،ولی در آثـاری چـون مقنـع و مقنعه‌این اختلافـات نــقل نمی‌شـده است.علت این امر بخصـوص در مـورد شـیخ مفیـد می‌توانـد از عـدم اعتمـاد وی بـر دلائل‌ظـنی‌و التزام او به قطع و یقین‌دراحکام شرعی‌سرچشمه گرفته باشد.

-8 در اینجا تذکر یک نکتهء مهم ضروری است و آن اینکه با وجود گرایشهای‌حدیثی شـیخ صـــدوق و تفکرات‌کلامی‌شیخ‌مفید،تفاوت فتاوی فقهی آنها زیاد نیست و اصولا دراین‌دو کتـاب بـه دو گونـه فتـاوی بـر نمی‌خـوریم،فتـاوی شیخ‌صـدوق اگـر از فتـاوی سـید مرتضـی بـه فتـاوی شـیخ مفیـد نزدیکترنباشددورترنیست، با وجـود ایـنکه سید مرتضی نیز بسان شیخ مفید متکلّمی‌برجسـته و بـا گرایشهای‌عقلی محض می‌باشد،گویا اختلافات روش شیخ صـدوق و شـیخ مفیـد بیشـتر در زمینـه معارف عقلی و مبـاحث کـلامی‌و عـقیدتی کـه متکلّمـان در آن بیشـتر بـه عقـل و اندیشـه تکیـه می‌ورزند تا روایات،عرصه جولان یافته اسـت،ولی‌تکیه‌گاه‌متکلّمـان‌و اهـل حـدیث در فقـه،آیـات و احادیث است که در نحوهء گزینش‌روایات‌نیزتفاوت‌چندانی بین دو روش بـه چـشم نـمی‌خورد.

-9در پایـان این بخش متـذکر مــی‌شویم کــه مــقنعه‌درعصرخود از احـترام و اعتبـار،برخـوردار بود.امری که شیخ طوسی را در حیات شیخ مفید به‌نگارش‌شرحی‌بر مبنـای آن واداشـت، ولی بـا تألیف نهایه،این کتاب مـحور تـدریس فــقه قـرار گـرفت درحالی‌که‌کتـاب مقنعـه هنـوز در بـرخی مـوارد تـدریس می‌شد.

سید محیی الدین بن زهره آن رااز‌چند طریق از مفید نقل می‌کند در یکی‌از آنهـا شـیخ طوسـی و ابویعلی‌جعفری‌و شیخ ابو(عبد اللّهـ)جعفر دوریـستی را ویـاز مفید می‌باشد،سـید محـیی الـدین بن زهره مجلد اول‌و بیشتر مجلد ثـانی از رساله‌مقنعه را در سال 584 در حالی که‌هنوزبه‌سن بیست سالگی نرسیده بود در نزد عمویش سید ابو المکارم حمزة بن زهـره صــاحب کــتاب‌غنیه‌که‌هفتاد و چنـد سال‌داشــت آمـوخت.ابن زهـره- و نـیز محمـد بن جــعفر مــشهدی- تمـام آن‌راپیش از بیست‌ســالگی در نــزد ابــو منصــور محمــد بن حســن بن منصــور نقــاش موصــلی کـــه

سن‌زیـادی‌داشت‌خــوانده بــود،وی نـیز آن را در اوائـل عمـر خـود در نـزد شـریف‌نقیب‌ابو الوفـاء محمدی موصلی که عمر زیـادی داشـت‌درمـوصل‌آموخت و او نـیز آن را دراول‌عمـر خـود در نـزد مفید خوانده بود.[78] از این نقل بر می‌آید که مقنعه لااقـل‌دردو جـلد بوده‌است.

مقنعه و تـهذیب‌الأحکام

شیخ طوسی درپاسخ‌درخواست‌یکی از دوستانش در مورد اخبارمتعارض‌و لزوم‌برخورد منطقی بـا آن به تألیف تـهذیب الأحـکام بر مبنای کتاب‌مقنعه‌و با انگیزه‌کلامی همت گماشت.[79] وی درآغاز بر آن بودکه‌از قـسمت فـقهی مـقنعه شروع‌کرده‌و هر مسئله را طرح نموده و براهین و اسـتدلالهای کامل در مورد آن‌راذکـر و اشـکالات را پاسـخ گویـد و جمله‌ای‌از روایـات عامـه را نـیز آورده و در مورد روایات‌متعارض در اخبار شـیعی و شـیوه‌سـازگار سازی آنها با هم سـخن‌گوید.این‌روش هـر چندتمامی‌اخبارفقهی را در برنمی‌گرفته است، ولی شیخ،تصمیم داشـته کـه پس‌از شرح مقعه بـه تألیف کتاب دیگری بپردازد که تمامی‌یااکـثر روایـات شـیعی را در بر گیرد.

بدین ترتیب‌تهذیب‌الأحکام‌درآغاز تنها شرح‌مقنعه‌ولی به صورت کامل‌بوده،و در اکثر کتـاب طهـارة از ایـن روش پیـروی نــموده اسـت،ولی این شـیوه،کتاب‌رابسیارمبسـوط‌نموده و آن را از غـرض اصلیش‌که‌ذکراخبارنـاسازگارو کـوشش‌در راه توافق آفریدن بین آنها بوده دور می‌ساخت، و کتاب در بر گیرنده تمامی‌روایات فقهی نیز نمی‌شد،از سوی دیگر شـیخ نـاچار

بوده است که برای تمامی‌فروع مذکوردر مقنعه دلیلی ذکـر کنـد کـه در پارهــای مــوارد دلیـل آن روایت خاص‌نبوده،بلکه گفتار مشایخ و عمل طـایفه مـبنای فـتوا بوده است.[80]

بنــابراین،کتــاب از صـورت حـدیثی خـارج می‌شـده اسـت.از ایــن رو شــیخ‌ازاین روش عـدول نموده،تنها به ذکر روایات ولی به نحو کامل می‌پردازد.[81] بدین ترتیب کتـاب دیــگری کــه شـیخ در ابتدا در نظر داشته تـألیف کـند در ضمن هـمین‌کتاب تـهذیب نـگاشته‌شده‌است.

شیخ پس از تعبیر روش خود،در بابهای نخستین،روایاتی را کـه‌در شـرح مقنعه نیـاورده، در ابـواب

---

78. بحار الأنوار،ج 107،ص 155.

79. تهذیب الأحـکام،شیخطـوسی،دارالکتاب الاسلامیة،نجفـ1377،ج 1،ص2.

80. تهذیب،ج 1،ص 290-294.

81. تهذیب،ج 10؛مشیخه،ص 4.

زیادات ذکر کرده است.طبعا این‌ابـواب،غـیر از بابهـای زیـاداتی استکــه‌در اصــل مقنعـه وجـود داشته‌است.

تغییر روش تألیف تهذیب سـبب گردیده که کتاب طــهارت کــه در زمـان حیات‌شیخ مفیـد تـألیف شـــده و بـــیشتر آن بـا روش نخســت نگاشــته شــده،نسـبت به‌ســایر کتابهـاأز حجم بیشــتری برخوردارگرددو حدود یک هـشتم کـل تهذیب را شامل شود، در حالی کـه هـمین کـتاب در مقنعــه حدود یـک شـانزدهم کل کتاب یعنی نـصف مـقدار آن را در تهذیب‌تشکیل‌می‌دهد.

در شیوه دوم، شیخ طوسی مقیّد به ذکر تمام مسـائل مقنعـه نبـوده و از ایــن رو در بــسیاری از مــوارد تنهــا از تــربیت مقنعــه پــیروی شــــده اســـت.وی خـــود در پارهـــای مـــوارد بـــویژه درکـتاب‌حج،مسائل بسیاری‌را عنوان کـرده و روایات مربوط بدان را ذکر نموده است.

هدف شیخ طوسی در نگارش تهذیب سبب گردیده‌که وی تنها به نقل فـتاوی‌مفید نـــظر داشـتـه و استدلالهای مفیدراذکرنکند و تــنها گــاه بــه اخــتصار و احــیانا بـا تصـرفاتی کـه لازم مــی‌دانسته اسـتدلالات وی را بدون نسبت دادن‌به وی ذکر کند.[82]

روایات فراوان مذکور در مقنعه،در تهذیب با سند کامل و به‌طورمشروح‌آمده ولی نـه بــه گــونهٔ شرح عبارات مقنعه.

شیخ طوسی درباره دعاهـا و تسـبیحات و مــانندآن نــیز در بــسیاری از مــوارد بـه وجــود آن در مـقنعه اکتفا کرده،خود بابی‌در این مورد نمی‌گشاید.برخی‌ازبابهای‌غیر روایی مقنعه نیز چون دو باب آخر مواریث،و ذکر اختلاف اقوال در مورد جزیه و بیان مذاهب مختلف کفّار و ماننــد آن در تهذیب حذف گردیده اسـت.[83] با توجه به این امور،تهذیب رامی‌توان در مجموع،شــرح آزاد بر خصوص فتاوی‌مقنعه دانست.البته این امر در مورد اکثر کتابهای تهذیب صادق اسـت،ولی چنـد کتاب تهذیب و پاره‌ای از بابهای دیگر آن وضعی کاملا متفاوت دارند. [84]

در کتاب انساب‌و زیارات بابهـای جــدیدی چــون بـاب تحـریم مدینـه،باب‌فضـل کوفـه،بـاب فضـل

82. مثلا ببینید تهذیب،ج 3،ص 90،113 و مقایسه کنید بامقنعه،ص252،269.

83. وی در این مورد میگوید:فلیس بنا حاجة الی شرحها اذا الغرض بـهذا الکـتاب غـیر شـرح مـا یجـری مــجراه، تهـذیب،ج 4،ص 114.

84. مثل بـاب صلاة الخوف و صلاة المطارده در ج سومتهذیب.

الغسل للزّیارة،باب وداع الشهداء،باب وداع العباس،باب‌حدّ حرم الحسین گشوده شده،کتاب جهاد و سیره امام از جلد ششم تهذیب تا پایان این جلدکاملااز شـرح مقنعـه دور افتـاده اسـت.تـرتیب کتابهـا در جــلدهای‌بعدی نـــیز تفـاوت می‌یابـد و در بسـیاری مـوارد عبـارت مقنعـه اصـلا ذکـر نمی‌گردد،ولی‌ترتیب بابهادر بیشتر موارد محفوظ بوده،وتفاوتهاجزئی‌است.

بنابراین تهذیب تنها شرحی بر مقنعه نیست و خود از جنبه‌های اسـتقلالی‌فراوان برخـوردار اسـت ولی چـهره کـلی آن همان شرح مقنعه‌اسـت‌بـویژه‌در جلد نخست که کاملا شرح مقنعه می‌باشد.

با عنایت‌به‌این نکته،تهذیب-بخصوص جلد اول-آن می‌توانست منبع‌خوبی برای تصحیح کتاب مقنعـه قرار گیرد که متأسفانه بدان توجه نشده است.

در اینجامادرصـدد بحث از چاپهـای مختلـف مــقنعه و بــررسی چـاپ جدیـد آن‌توسـط انتشـارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیسـتیم،تنهـا اشـاره می‌کـنیم در این تصـحیح جدیــد مبنـــا قراردادن‌اکثریت‌نســخ-آن هم اکـــثریت‌در تعـــداد و نـــه در اعتبـــار و ارزش-بـــه جای‌نـسخه‌ٔصـحیحتر،سبب شده کـه عبارتهای‌صحیح بسیاری در حاشیه قـرار گـیرد و ناهمـاهنگی فراوانی در عبارات متن به‌وجودآید.

نکاتی چند در مقنعه

1-در باب نفاس مقنعه ص 57 این عـبارات را می‌خوانیم«واکثرایّام‌النفاس ثمانیة عشـر یومـا و قد جائت اخبار معتمدة بـانّ انـقضاء مـدّة النفـاس مـدّة الحیض‌و هـو عشـرةایّام و علیـه اعمـل لوضوحه عندی».

صدر و ذیل این عبارت با هم ناسازگار می‌نماید،چه‌اگرمــفید اکــثر حـد نفـاس را ده روز می‌دانـد چرا در آغاز به شـکل فتوااکثرحـدنفاس را 18 روز ذکـر کـرده اسـت؟ماننـد ایــن نــاسازگاری در کـتاب مکاح مقنعه ص 522 درهمین مسئله‌دیده می‌شود.

نظیر این اشکال در برخی از کتابهای محقّق و علاّمه نیزدیده‌می‌شـود،درآنجـا محقّـق تــستری در مقدمه مقابس الأنوار به طرح و حل اشکال پرداخته می‌گوید:

محقّق و علاّمه‌نخسـت‌فتاوی شـیخ طــوسی را بـدون نسـبت دادن بـه او ذکــر مــی‌کنند، سـپس عبارتی‌راکه‌بر تردّد یا مخالفت با آن فتـوا دلالت دارد،می‌آورنـد.در نتیجه‌گمـان تنـافی می‌رود ولی

راه حل‌آن‌همانی‌است که گفته شد.[85]

گویا فتاوی شیخ طوسی نماینده‌ء فقه رسمی‌شیعه‌به شمار می‌رفته و نیازی‌به نسبت دادن آنها به شیخ نبوده است.بنابراین متن اصلی فقه شیعه‌رانظرات‌شیخ طوسی تشکیل می‌داده و نظرات محقّق و علاّمه تنها به عنوان‌حاشیه‌مطرح‌بوده است.

همچنین نظیر این مشکل در کتاب‌مبسوط‌شیخ‌نیز دیده می‌شود.منشأ این‌امر در کتاب مبسوط،ظاهراآن‌است که فروع مبسوط در اصل از کتابهای عامّه‌برگرفته شده،و این عناصر تازه‌بخوبی‌در این کتاب جا نیفتاده‌و در نتیجه‌برخی‌از عبارات‌متناقض نما گردیده‌اند.[86]

-2اما علت این امردرکتاب مقنعه چیست؟ آیا می‌توان نظیر راه حل کتب‌علاّمه و محقّق و مبسوط‌رادر اینجا طرح کرده بگوییم:مقنعه دراصل از کتاب‌دیگری گرفته‌شده‌است؟ در صورت درستی این احتمال‌آن‌کتاب کدام است؟ ولی با توجه به نامشخص بودن کتابی که مقنعه بنابراین احتمال، برپایه‌آن‌قرار دارد و با عنایت‌به‌اینکه‌مشکل تا آنجاکه‌جستجو شد،تنها درباره‌ء مسئله‌حداکثرحدّنفاس وجود دارد،می‌بایست برای این مشکل راه حل دیگری جستجو کرد.

به نظر می‌رسد که فتوای‌مفیدنخست همان هیجده روز بوده،سپس وی‌از این‌نظر بازگشته‌و چون‌نخواسته در عبارت اصلی‌تصرفی کند نظر نهایی خود را به این صورت در هر دو جا به متن کتاب‌افزوده‌است،بلکه حتی محتمل است این‌نظریه درحاشیه‌نوشته‌شده‌و بعدا داخل متن‌شده‌باشد.تشویش بسیار عبارت‌مقنعه در باب طهارة و پس و پیش شدن عبارات آنها-چنانچه از تهذیب برمی‌آید[87] این‌احتمال‌را تقویت می‌کند.

-3شیخ مفید در مقنعه روایات‌رابه‌صورت‌مرسل‌ذکرمی‌کند.وی تنها به‌نام معصوم و گاه همراه با نام راوی آخر اکتفا می‌کند.در این موارد گاه اختلالاتی‌نیز مشاهده می‌شود ازجمله در ص 260: قال قلت لأبی جعفر(ع)و ص 261: قال‌سألت ابا الحسن(ع)، ضمیر در این دو سند ممکن است به عبد الکریم بن عتبه‌هاشمی باز گردانیده شود،ولی با مراجعه به تهذیب ج 4، ص-104 روشن‌می‌شود که مرجع ضمیر،راوی روایت می‌باشد که در سند نخست،ابو بصیر و در سند

85. مقابس الأنوار،تهران،1322،ص 5.

86. زمین در فقه اسلامی،ج 1،ص 59.

87. تهذیب،ج 1،ص 471.

دوم،عبـد الرحمـان بن الحجـاج می‌باشـد.نظـیر ایـن اشـکال در ص 263 و 268 نـیز دیـده می‌شـود.در نتیجه‌دربهره‌گـیری از احـادیث مقنعـه بایـد دقت نمـود و از اینگونـه اختلالات غـفلت نـورزید و حـتما به سایر مصادر حدیثی هم مراجعه کرد.

-4 از لابلای مقنعه‌برخی‌از آراء اصولی مفید نیزبه‌دسـت مـی‌آید.ما در ایـنجا تنها به ذکر سه نمونه اکتفا نموده،عین عبارت وی را نیز نقل می‌کنیم:

أ- مفیـد در اخبـار متعـارض،قائـل بـه لـزوم تـرجیح بـه وسـیله‌مرجّحات‌نیست وی‌روایـتی را که‌شهرت‌روایی و هم شهرت فتوایی دارد بر روایت مقابل بـه گـونه‌لزومی تـرجیح نمی‌دهد، بلکـه ترجیح را مستحب می‌داند.عبارت مفید چنین است:

و قد روی حدیث فی جواز التطّوع فی السفر بـالصیام و جـاءت‌اخبار بکراهیة ذلک و انّـه لیس من البّر الصوم فی السفر و هی اکثر و علیها العمل عـند فقهاء العـصابة فـمن اخذ بالحـدیث لم یـأثم اذا کـان اخـذه من جهـة الاتّبـاع و من‌عمل‌علی اکثرالروایـات و اعتمـد علی المـشهور مـنها فی اجتنـاب الصـیان فی السـفر علی‌کـل وجـه-سـوی مـا عـدّدناه-کـان اولی بـالحق‌و اللّـه الموفـق للصواب.[88]

ب- شیخ مـفید در بـحث اسـتخارات پس از ذکرنمازو دعاء استخاره،از اسـتخاره ذات الرقـاع یـاد کرده می‌گوید:قال الشیخ:و هذه الروایة شاذة، لیسـت‌کالّذی تقـدّم، لکنّـا اوردناهـا للرخـصة دون تـحقیق العـمل‌بها.[89]

گویا عبارت‌مفید ناظر به تسامح در ادلّه مستحبات است و چون مسئله‌استخاره- با کمی تسـامح- داخل‌دربـاب‌مـستحبات است.از روایـات «من بلـغ» می‌تـوان جـواز اسـتخاره ذات الرقـاع را نـیز استفاده کرد.

ج- مفیـد باعرضـه کـردن روایـات بـر قـرآن،آنهـا را نقـد و بـررسی مـی‌کند و بـا توجـه به‌کتـاب خدا،روایات ناسازگار باآن‌را رد می‌کند.وی در باب«الوصـیة للـوارث»پس از ذکـر آیه‌ای از قـرآن بـر صحّت این گونه وصیت،می‌نویسد:و قد روی عن النـبی صـلّی اللّه عـلیه و آله انّه قال:لا وصیّة لوارث و هذا حدیث باطل‌مـصنوع،لم‌یثبت،عند نـقّاد الأثر،و کتـاب اللّـه اولی من الحـدیث و الحکم

88. مقنعه،ص 350.

89. مقنعه،ص 219.

به علی الأخبار اولی من الحکم‌بالأخبار علیه.[90]

د- پایان کتاب مقنعه بـابی اسـت بـا این عنـوان:بـاب مختصـر رسـم کـتب‌الوصایا و الوقـوف و العـتق‌و التـدبیر و المـکاتبه و الخلـع و الطلاق و الـدیون و الحقـوق و البراءـات و الشـرکة و اللاإجـارات و المزارعات و المساقاة و الضمانات و الوکالات و المعاملات.

در این باب،مفید درباره هر یک‌ازعناوین فوق،متنی کـلی تـهیه کرده که در برخی از جاهـای آن از کلمه فـلان و یا کذا بهـره گـرفته کـه می‌بایسـت بـه وسیله‌اسـتفاده کننـده بـا عـبارت مناسـب جایگزین شود.وی درضمن‌فصل یا فصول‌دیگری حالات استثنایی و ویژه را تذکر می‌دهد.

تهیهٔ این گـونه مـتون کـه بـرای سـهولت کـار مـردمان و شـبیه فـرمهایی اسـت که‌در ادارات کـنونی مـرسوم اسـت، نشـانگر پیشـرفت و گسترش‌مـرجعیّت‌شـیخ مفیـد اسـت.امـری کـه وی راوامی‌داشت‌که به جای پرداختن به صورتهای جزئی به تهیه‌متون کلی دسـت یـازد.برای نگارنـده فرصت دست نداده که دربـاره سـابقه این گـونه‌متون، تحقیق‌کـافی‌درکـتب فقهی مذاهب مختلف انـجام دهد،ولی در کتب‌فقهی‌شیعی‌نظیر این متنها را قبل از مقنعه سراغ نداریم.

در اینجا بحث از مقنعه را پایان می‌دهیم.هر چـند بـرخی ازبحثهـای‌مهم‌دیگرچون آراء اختصاصـی مفید در فـقه،باقی مـاند کـه نـیازمند تـتبّع‌و جستجوی‌زیادی است.

پایان مقاله

90. مقنعه،ص 670.